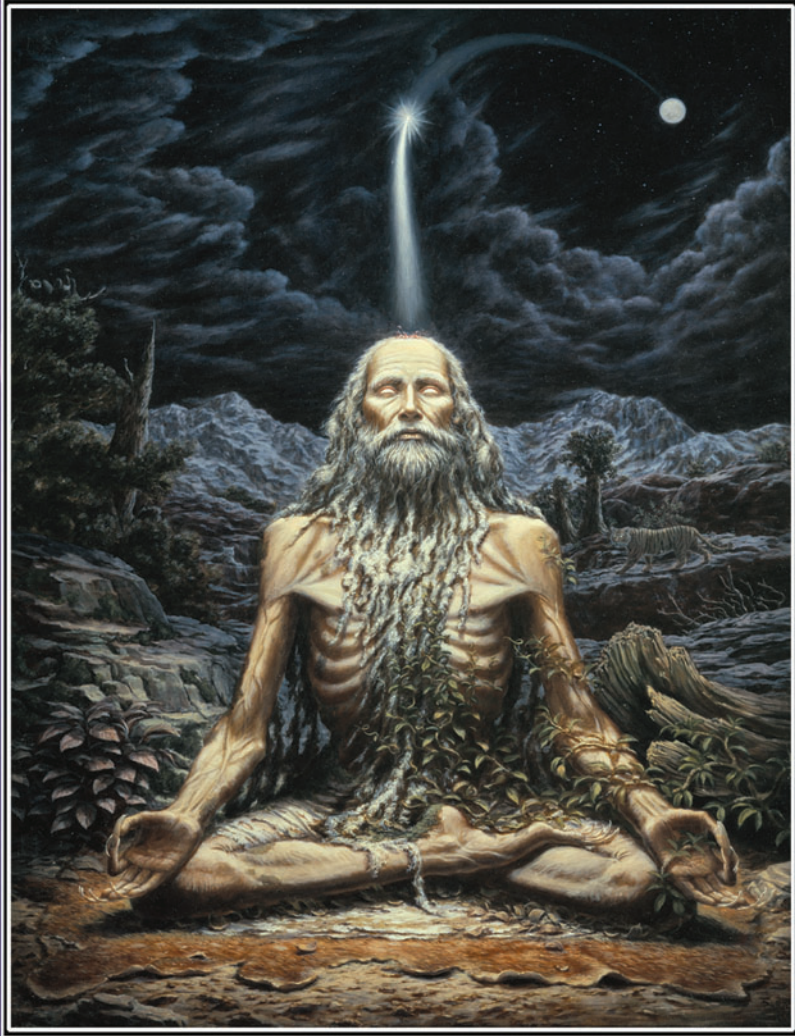


سفر آسان به سیارات دیگر



حضرت آ.ج. بهاکتی ودانتا سوامی پرابھوپادا

آچاریای بنیانگذار انجمن بین المللی کریشنا آکامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سفر آسان به سیارات دیگر

حضرت آ.چ. بهاگتی ودانتا سوامی پرابھوپادا



فهرست

- ۱..... پیشگفتار
- ۲..... فصل یک: جهان‌های ضد ماده
- ۴۲..... فصل دوم: انواع سیستم‌های سیاره‌ای

پیشگفتار

آرزوی طبیعی هر موجود زنده، به‌ویژه انسان متمدن آن است که تا ابد در سعادت زندگی کند. این امری طبیعی است، زیرا هر موجود زنده‌ای در موقعیت ذاتی خود جاودان و پراز شعف است. با این حال وی در شرایط زندگی مقید فعلی، درگیر تولد و مرگ مکرر است. از این رو وی تاکنون نتوانسته است به شادی و جاودانگی دست یابد.

آخرین آرزویی که بشر در سر پرورانده، سفر به دیگر سیارات^۱ است. این تمایل نیز کاملاً طبیعی است، زیرا او به‌طور ذاتی حق دارد به هر قسمتی از آسمان‌های مادی یا روحانی برود. چنین سفری بسیار هیجان‌انگیز و اغواکننده است، زیرا این آسمان‌ها مملو از سیارات نامحدود با کیفیات گوناگون هستند و تحت سکونت همه‌ی گونه‌های موجودات زنده درآمده‌اند. خواسته‌ی سفر به آن‌جا را می‌توان با روش یوگا برآورده ساخت که شخص را قادر به نقل مکان به هر سیاره‌ای مطابق میلش می‌سازد؛ به سیاراتی که نه تنها حیات در آنها جاودان و سرشار از شعف است، بلکه دارای انرژی‌های متنوع لذت‌بخش نیز هستند. کسی که بتواند به استقلال موجود در سیارات روحانی برسد دیگر نیازی به بازگشت به این سرزمین نکبت‌بار تولد، پیری، بیماری و مرگ را ندارد.

شخص به سادگی می‌تواند با تلاش فردی خویش به این مرحله از کمال برسد. او می‌تواند به سادگی در خانه‌ی خود روند تجویز شده‌ی بهاکتی - یوگا^۲ را دنبال کند. این روش، تحت هدایت مناسب، ساده و لذت‌بخش است. در این‌جا تلاش شده است تا به عامه‌ی مردم به‌طور عام، و به فلاسفه و مذهب‌یون به‌طور خاص اطلاعاتی در این زمینه داده شود که چگونه شخص می‌تواند خود را به کمک روند بهاکتی - یوگا - برترین در میان روش‌های یوگا - به دیگر سیارات منتقل کند.

^۱ توضیح مترجم: در این‌جا معادل واژه‌ی سیارات در نظر گرفته شده و منظور از آن تمام اجرام آسمانی است. Planets.

^۲ bhakti-yoga

فصل یک

جهان‌های ضدماده

شاید روزی در نهایت دانش مادی‌گرایی بتواند جهان ضدماده‌ی ابدی، یعنی آن چیزی که تاکنون مادی‌گرایان کاملاً پندارگرا از آن هیچ اطلاعی نداشته‌اند را کشف کند. در مورد ادراک کنونی دانشمندان از ضدماده، ایندیا تایمز^۱ خبر فوق را در ۲۷ اکتبر ۱۹۵۹ چاپ نمود:

استکهلم ۲۶ اکتبر ۱۹۵۹- دو دانشمند اتمی آمریکایی که امروز جایزه‌ی نوبل فیزیک سال ۱۹۵۹ را برای کشف آنتی پروتون دریافت نمودند، ثابت کردند ماده در دو نوع ذره و ضدذره وجود دارد. دکتر امیلو سرج متولد ایتالیا، ۶۹ ساله و دکتر اوون چمبرلین متولد سان‌فرانسیسکو بر اساس فرضیه‌ی بنیادین جدید احتمال موجودیت دنیای دیگر یا ضددنیا را پیش‌بینی کردند که ماده‌ی سازنده‌ی آن ضدماده است. این دنیای ضدماده از اجزای اتمی و ریزاتمی تشکیل شده است که دوران آنان حول محورشان برخلاف جهت حرکت دورانی ذرات در دنیایی که می‌شناسیم، صورت می‌گیرد. هرگاه این دو دنیا با هم تصادم کنند، در یک لحظه نابود می‌شوند.

در این مطلب فرضیات زیر مطرح شده‌اند:

۱- اتم یا ذره‌ای ضدماده وجود دارد که از کیفیاتی متضاد با اتم‌های مادی ساخته شده است.

¹ Times of India

۲- دنیای دیگری و رای این دنیای مادی وجود دارد که ما تجربه‌ای محدود از آن داریم.
 ۳- دنیای ماده و دنیای ضد ماده ممکن است در زمانی مشخص با هم تصادم کنند و یکدیگر را نابود سازند.

از این سه فرضیه ما محققان علم الهیات، نکات یک و دو را کاملاً تأیید می‌کنیم. اما نکته‌ی سه را فقط در محدوده‌ی تعریف علمی ضد ماده می‌پذیریم. مشکل در این واقعیت نهفته است که دیدگاه دانشمندان درباره‌ی ضد ماده تنها نوع دیگری از انرژی مادی را بیان می‌کند، در حالی که ضد ماده‌ی واقعی باید کاملاً غیر مادی باشد. ساختار ماده به گونه‌ای تشکیل یافته که در معرض نابودی است، اما اگر ضد ماده مبرا از هرگونه کیفیات مادی باشد، بنا بر طبیعت ذاتی‌اش باید از نابودی نیز مبرا باشد. اگر ماده تخریب‌پذیر و یا جداشدنی است، ضد ماده باید تخریب‌ناپذیر و جداشدنی باشد. ما تلاش می‌کنیم این فرضیات را از دیدگاه متون موثق بررسی کنیم.

شناخته‌شده‌ترین متون مذهبی در سطح جهان، وداها هستند. وداها به چهار بخش تقسیم می‌شوند: ساما^۱، یاجور^۲، ریگ^۳ و آتھاروا^۴. موضوعات مورد بحث وداها برای اشخاصی با فهم معمولی بسیار پیچیده هستند. جهت توضیح باید گفت که چهار ودا در اشعار حماسی تاریخی به نام ماهابھاراتا^۵ و نیز در هجده پوراناها^۶ توضیح داده شده‌اند. همچنین رامایانا^۷ حماسه‌ای تاریخی است که شامل اطلاعاتی ضروری از وداها است. بدین ترتیب چهار ودا، رامایانای اصلی مدون شده توسط والمیکی^۸، ماهابھاراتا و پوراناها به‌عنوان ادبیات ودایی طبقه‌بندی شده‌اند. اوپانیسادهای^۹ بخشی از چهار ودا هستند و ودانتا-سوتراها^{۱۰}

¹ Sama

² Yajur

³ Rg

⁴ Atharva

⁵ Mahābhārata

⁶ Purānas

⁷ Ramayana

⁸ Valmeki

⁹ Upanisads

¹⁰ Vedānta-sūtras

عصاره‌ی وداه‌ها را بیان می‌کنند. بهاگاواد- گیتا^۱ عصاره‌ی تمام اوپانیشاده‌ها و پیش‌درآمدی بر ودانتا- سوتراها به‌شمار می‌رود. در این‌جا می‌توان نتیجه‌گرفت که شخص می‌تواند از بهاگاواد- گیتا به تنهایی عصاره‌ی وداه‌ها را دریابد، زیرا توسط شخصیت متعال خداوند شری کریشنا بیان شده است که از جهان ضدماده به این جهان مادی هبوط کرد تا اطلاعات جامعی از فرم برتر انرژی را ارائه دهد.

فرم برتر انرژی شخصیت متعال خداوند در بهاگاواد- گیتا با عنوان پارا پراکرتی^۲ توصیف شده است. دانشمندان به تازگی کشف کرده‌اند که دو نوع ماده‌ی فناپذیر وجود دارد، اما در بهاگاواد- گیتا موضوع ماده و ضدماده، به‌روشنی به‌صورت دو نوع انرژی متفاوت توضیح داده شده است. ماده نوعی انرژی است که جهان مادی را خلق می‌کند و همان انرژی در شکل برتر خود جهان ضدماده‌ی متعال را خلق می‌نماید. موجودات زنده به دسته‌ی انرژی برتر تعلق دارند. انرژی کَهِتر یا انرژی مادی را آپارا پراکرتی^۳ می‌نامند. در بهاگاواد- گیتا انرژی خلاق در دو شکل آپارا و پارا پراکرتی معرفی شده است.

ماده به خودی خود قدرت خلق کردن ندارد. هرگاه انرژی حیاتی بر آن اعمال گردد، چیزهای مادی تولید می‌شوند. بنابراین ماده در حالت خام خود انرژی نهفته‌ی خداوند متعال است. هرگاه به انرژی فکر می‌کنیم، طبیعی است که به منشاء آن نیز فکر کنیم. برای مثال، اگر به انرژی الکتریکی فکر کنیم، همزمان به کارخانه‌ی برق که آن را تولید می‌کند نیز فکر می‌کنیم. انرژی خودکفا نیست و تحت کنترل موجود زنده‌ی برتر قرار دارد. برای مثال، آتش منبع دو انرژی دیگر یعنی نور و گرما است. نور و گرما هیچ‌گونه موجودیت مستقلی جدای از آتش ندارند. به همین صورت، انرژی کَهِتر و برتر توسط منبعی اداره می‌شوند که می‌توان به دلخواه آن‌را با هر نامی خواند. آن منبع انرژی باید وجودی زنده و دارای ادراک کاملی از همه‌چیز باشد. آن وجود زنده‌ی متعال، شخصیت خداوند شری کریشنا یا جذاب کل است.

¹ Bhagavad Gita

² Para Prakriti

³ Aparak Prakriti

در وداها وجود زنده‌ی متعال یا حقیقت مطلق را بهاگاوان^۱ می‌نامند. آن وجود زنده‌ی ثروتمند، سرمنشاء تمام انرژی‌هاست. کشف دو شکل از انرژی محدود توسط دانشمندان مدرن تنها آغاز پیشرفت دانش است. اینک آنان باید برای کشف منشاء این دو ذره یا اتم که ماده و ضدماده نامیده‌اند، تلاش کنند.

چگونه می‌توان ذرات ضدماده را توصیف کرد؟ ما تجربه‌ای از ذرات مادی یا اتم‌ها داریم، اما هیچ تجربه‌ای از اتم‌های ضدماده نداریم. در این باره بهاگاواد- گیتا توصیف روشنی از ذرات ضدماده ارائه می‌کند:

این ذره‌ی ضدماده درون بدن مادی قرار دارد. به‌خاطر حضور این ذره‌ی ضدماده، بدن مادی در تحولی پیوسته از کودکی به نوجوانی و از نوجوانی به جوانی و پیری تغییر می‌کند. سپس ذره‌ی ضدماده بدن پیر و فرسوده را ترک، و بدن مادی دیگری اختیار می‌کند.

این توصیف از بدن زنده، کشف علمی موجودیت انرژی در دو شکل را تأیید می‌کند. هرگاه یکی از آنان، ذره‌ی ضدماده، از بدن مادی جدا گردد، آن بدن برای هیچ منظور دیگری غیرقابل استفاده نیست. بدین‌جهت، ذره‌ی ضدماده بی‌شک برتر از انرژی مادی است.

بنابراین، هیچ‌کس نباید برای از دست دادن انرژی مادی تأسف بخورد. انواع ادراکات حسی از نوع گرما و سرما و شادی و اندوه، برهم‌کنش انرژی مادی هستند که مانند تغییر فصول می‌آیند و می‌روند. پدیدار و ناپدید شدن گذرای چنین برهم‌کنش‌های مادی بیان‌گر این واقعیت است که بدن مادی از انرژی مادی تشکیل شده که کَهِتر از نیروی حیاتی یا انرژی جیوا^۲ است.

هر فرد هوشمندی که توسط شادی و اندوه آشفته نمی‌گردد و درک می‌کند که آنان حالت‌های مختلف مادی و نتیجه‌ی برهم‌کنش انرژی کَهِتر هستند، شایستگی بازگشت به دنیای ضدماده را دارد؛ جایی که حیات در آن جاودانه، و سرشار از دانش و شرف ماندگار است.

¹ Bhagavan

² Jiva

در این جا دنیای ضدماده مورد اشاره قرار گرفته است و شرح داده می‌شود که در دنیای ضدماده تغییرات فصلی وجود ندارد. همه‌چیز در آن جا دائمی، پر از شغف و سرشار از دانش است. حال اگر از آن جا به عنوان دنیا یاد کنیم، باید به یاد آوریم که این دنیا دارای شکل است و متعلقاتی متنوع و رای تجارب مادی ما دارد.

بدن مادی تخریب‌پذیر، و به همین جهت متغیر و موقتی است. بنابراین دنیای مادی نیز گذراست. اما نیروی حیاتی ضدماده، تخریب‌ناپذیر و از این رو دائمی است. بنابراین دانشمندان مجرب تفاوت کیفی میان ذرات ماده و ضدماده قائل می‌شوند و به ترتیب اولی را موقتی و دیگری را دائمی دانسته‌اند.

حال کاشفان این دو شکل از ماده باید در پی کشف کیفیات ضدماده باشند. اما در بهاگاواد- گیتا به شکل زیر به روشنی توصیف شده است. دانشمندان می‌توانند تحقیقات بیشتری بر پایه‌ی این اطلاعات ارزشمند انجام دهند.

ذره‌ی ضدماده ظریف‌تر از ظریف‌ترین ذرات مادی است. این نیروی حیاتی آن چنان قدرتمند است که تأثیرش در تمام بدن منتشر می‌گردد. ذرات ضدماده توانایی شگرفی در مقایسه با ذرات مادی دارند و در نتیجه نمی‌توان آنها را تخریب نمود.

اما این تنها آغاز توصیف ضدماده در بهاگاواد- گیتا است. توضیحات بیشتر در ذیل آمده است:

ظریف‌ترین ذره‌ی ضدماده درون بدن مادی زمخت و بدن لطیف محصور شده است. اگرچه بدن‌های مادی زمخت و لطیف در معرض نابودی قرار دارند، ذره‌ی ظریف ضدماده جاودانی است. از این رو گرایش و توجه شخص باید بر این اصل ابدی باشد.

کمال علم زمانی فرا می‌رسد که دانشمندان مادی کیفیات ذره‌ی ضدماده را دریابند و آن را از معاشرت با ذرات مادی موقتی رها سازند. چنین رهاسازی اوج پیشرفت علمی خواهد بود.

بخشی از دیدگاه دانشمندان درباره‌ی امکان وجود دنیای دیگری که از اتم‌های ضدماده ساخته شده است و این که برخورد دنیای مادی و ضدمادی به نابودی هردوی آنان

می‌انجامد، به حقیقت نزدیک است. تصادمی هست که پیوسته صورت می‌گیرد: نابودی ذرات مادی در هر لحظه اتفاق می‌افتد و ذره‌ی غیرمادی در تلاش برای رهایی است. این مطلب در بهاگاواد- گیتا چنین شرح داده شده است:

ذره‌ی غیرمادی یا به عبارتی موجود زنده، بر ذره‌ی مادی تأثیر می‌گذارد و آن را فعال می‌کند. این موجود زنده همیشه فناپذیر است. تا زمانی که ذره‌ی غیرمادی در میدان انرژی مادی شناخته شده به نام بدن‌های زخم‌ت و لطیف قرار دارد، آنگاه آن موجودیت به صورت یک واحد زنده پدیدار می‌شود. در برخورد مداوم میان هر دو ذره، ذره‌ی غیرمادی هرگز نابود نمی‌شود. هیچ‌کس نمی‌تواند ذره‌ی ضدماده را در هیچ زمانی - گذشته، حال و یا آینده - نابود سازد.

از این رو از دیدگاه ما این فرضیه که در اثر برخورد دو دنیای مادی و ضدمادی هر دوی آنان نابود می‌شوند، تنها از دیدگاه تعریف محدود دانشمندان از ضدماده می‌تواند صحیح باشد. در بهاگاواد- گیتا طبیعت ذره‌ی ضدماده که هیچ‌گاه نمی‌تواند نابود نمی‌شود، بدین سان شرح داده می‌شود:

ذره‌ی ضدماده ظریف و غیرقابل اندازه‌گیری، همواره فناپذیر، دائمی و ابدی است. به هر حال، پس از مدت زمان معینی، قفس ذرات مادی که آن را احاطه کرده است، نابود می‌شود. همین قاعده در رابطه با دنیای مادی و ضدمادی نیز عمل می‌کند. کسی نباید از نابودی ذرات ضدماده هراس داشته باشد، زیرا هنگام نابودی دنیای مادی بقای خود را حفظ خواهد کرد.

هر آنچه که خلق شده، در مرحله‌ی معینی نابود می‌شود. هم بدن مادی و هم دنیای مادی خلق شده‌اند و از این رو در معرض نابودی هستند. اما ذرات ضدماده هیچ‌گاه خلق نشده‌اند، و در نتیجه هرگز نابود نمی‌شوند. این موضوع نیز در بهاگاواد- گیتا تأیید شده است.

ذره‌ی ضدماده که نیروی حیاتی است، هیچ‌گاه تولد نیافته یا خلق نشده است. او تا ابد موجود است. او نه تاریخ تولد و نه تاریخ مرگ دارد. او نه مکرراً خلق و نه مکرراً نابود می‌شود. او به طور ابدی موجود است و از این رو قدیمی‌ترین قدیمی است و همواره شاداب و تازه می‌ماند. اگرچه ذره‌ی مادی نابودشدنی است، اما ذره‌ی ضدماده هرگز از آن متأثر نمی‌گردد.

این قاعده برای کیهان ضدمادی و ذره‌ی ضدمادی هم مصداق دارد. هرگاه کیهان مادی نابود گردد، کیهان ضدمادی همچنان با تمام کیفیاتش باقی می‌ماند. بعداً بیشتر در این‌باره توضیح داده خواهد شد.

دانشمندان می‌توانند موضوع زیر را نیز از بهاگاواد- گیتا بیاموزند:

شخص دانایی که به خوبی بداند ذره‌ی ضدماده فناپذیر است، می‌داند که آن با هیچ وسیله‌ای نابود نمی‌گردد.

شاید دانشمند اتمی بیانیدشد که می‌توان جهان مادی را با سلاح اتمی نابود کرد، اما سلاحش نمی‌تواند جهان ضدماده را نابود نماید. ذره‌ی ضدماده به طور شفاف‌تر در سطور بعدی توضیح داده شده است:

آن ذره با هیچ نوع سلاح مادی قطعه‌قطعه‌شدنی نیست و در آتش نیز نمی‌سوزد. نه با آب مرطوب می‌شود، نه پژمرده و خشکیده می‌شود و نه در هوا تبخیر می‌گردد. تقسیم‌ناپذیر، نسوختنی و حل‌نشده است. چون ابدی است می‌تواند به هر نوع بدنی وارد و از آن خارج شود. چون همواره بر طبیعتش استوار است، خصوصیاتش همواره ثابت‌اند. توصیف‌ناشدنی است، زیرا متفاوت از هرگونه کیفیات مادی می‌باشد. تصورناشدنی توسط هوش متعارف و تغییرناپذیر است. بنابراین هرگز کسی نباید برای آنچه اصولاً ضدماده و ابدی است، تأسف بخورد.

بدین‌سان در بهاگاواد- گیتا و دیگر متون ودایی، انرژی برتر اصل ضدماده به عنوان نیروی حیاتی یا روح زنده پذیرفته شده است که آن‌را جیوا نیز می‌نامند. این اصل حیات را نمی‌توان با هیچ‌گونه ترکیبی از عناصر مادی پدید آورد. هشت عنصر مادی که به عنوان انرژی کهنتر شرح داده شده‌اند، به قرار زیرند: زمین، آب، آتش، هوا، اتر، ذهن، هوش و منیت. علاوه بر آن نیروی حیاتی یا فرایند ضدماده وجود دارد که به عنوان انرژی برتر شرح داده شده است. این اجزاء را انرژی می‌نامند، زیرا توسط موجود زنده‌ی متعال - شخصیت خداوند (کریشنا) - کنترل و اداره می‌شوند.

برای مدت‌های طولانی، انسان مادی‌گرا اسیر هشت عنصر مادی تشریح شده در بالا بود. اکنون باعث دلگرمی است که وی اطلاعاتی مقدماتی درباره‌ی اصل ضدماده و

جهان ضدماده کسب نموده است. امیدواریم انسان مادی‌گرا با گذشت زمان بتواند ارزش جهان ضدماده را دریابد؛ جایی که هیچ نشانی از اصول مادی در آن وجود ندارد. خود کلمه‌ی "ضدماده" بیان‌گر آن است که این اصل در تقابل با همه‌ی کیفیات مادی واقع شده است.

البته پندارگرایانی هم هستند که درباره‌ی ضدماده تفسیر خود را ارائه می‌کنند. آنها به دو دسته‌ی اصلی تقسیم و به دو نتیجه‌ی متفاوت و نادرست نائل شده‌اند. گروه مادی‌گرایان کامل یا اصل ضدماده را نفی می‌کند و یا تجزیه‌ی ترکیبات ماده را تنها در زمان معین (زمان مرگ) می‌پذیرد. گروه دیگر اصل ضدماده را در تضاد مستقیم با اصل مادی که خود واجد بیست و چهار دسته است، می‌پذیرد. این گروه را سانکیایی‌ها^۱ می‌نامند. آنها اصول مادی را دقیقاً بررسی و تحلیل می‌کنند. سانکیایی‌ها در خاتمه تحقیقاتشان نهایتاً تنها نوعی اصل غیرفعال متعال (ضدماده) را می‌پذیرند. به هر حال برای این پندارگرایان مشکلاتی پیش خواهد آمد، زیرا آنها با کمک انرژی کَهر استدلال نموده‌اند. آنان هیچ اطلاعاتی را از سوی مافوق (متعال) نمی‌پذیرند. جهت درک بهتر جایگاه واقعی اصل ضدماده، شخص باید به سطح متعال انرژی برتر ارتقاء یابد. بهاکتی - یوگا فعالیت اصلی انرژی برتر است.

در سطح جهان مادی شخص نمی‌تواند موقعیت واقعی جهان ضدماده را ارزیابی کند. اما خداوند متعال، کنترل‌کننده‌ی انرژی مادی و ضدمادی، با رحمت بی‌دلیلش هبوط می‌کند تا اطلاعات کاملی از دنیای ضدماده به ما دهد. بدین ترتیب خواهیم دانست که جهان ضدماده چیست. ما می‌دانیم که خداوند متعال و موجودات زنده هر دو از نظر کیفی ضدماده هستند. بنابراین می‌توانیم با تحقیق جامعی از موجود زنده، درکی از خداوند متعال بیابیم. هر موجود زنده، شخصی منحصر به فرد است. از این‌رو موجود زنده‌ی متعال باید شخص متعال نیز باشد. در متون ودایی به‌درستی شرح داده شده که کریشنا شخص متعال است. نام "کریشنا" نشان‌دهنده‌ی خداوند متعال، تنها نام واقعاً قابل فهم از مرتبه‌ی

¹ Sāṅkhyaites

بالاست. او کنترل‌کننده‌ی انرژی‌های مادی و ضدمادی است و نام کریشنا دلالت بر کنترل‌کننده‌ی متعال بودن وی دارد. خداوند در بهاگاواد- گیتا این موضوع را تأیید می‌کند:

دو جهان، مادی و ضدمادی وجود دارد. جهان مادی از انرژی کیفی کهنتر تشکیل و به هشت عنصر مادی تقسیم شده است. جهان ضدمادی از انرژی کیفی برتر ساخته شده است. چون هر دو انرژی مادی و ضدمادی ساتع از متعال - شخصیت خداوند - هستند، به نیکی می‌توان نتیجه گرفت که من، خداوند کریشنا، علت غایی همه‌ی خلقت‌ها و نابودی‌ها هستم.

از آن جایی که دو انرژی کهنتر و برتر خداوند جهان مادی و ضدمادی را ایجاد می‌کنند، او را حقیقت مطلق متعال می‌نامند. خداوند کریشنا این مطلب را در بهاگاواد- گیتا چنین بیان می‌فرماید:

آرجونا، من بالاترین اصل روحانی هستم و هیچ چیز بزرگ‌تر از من نیست. تمام چیزها بر انرژی‌های من تکیه دارند، همچون مرواریدهایی بر ریسمان.

بسیار پیش از کشف اصل ضدماده و جهان‌های ضدمادی، این موضوع در صفحات بهاگاواد- گیتا مشخص شده بود. خود گیتا بیان می‌دارد که فلسفه‌اش پیش‌تر به خداوند حاکم بر خورشید آموزش داده شده بود و این خود نشان می‌دهد که اصول بهاگاواد- گیتا توسط شخصیت خداوند بسیار پیش‌تر از وقوع جنگ کوروکشترا، یعنی حداقل صد و بیست میلیون سال قبل، به تفصیل شرح داده شده است. اکنون دانش مدرن تنها جزئی از حقایقی را که در بهاگاواد- گیتا بیان شده، کشف نموده است.

فرضیه‌ی کیهان ضدماده در بهاگاواد- گیتا نیز بیان شده است و با اطلاعات موجود می‌توان بی‌هیچ شکی نتیجه گرفت که جهان ضدمادی در آسمان ضدمادی قرار دارد؛ آسمانی که در بهاگاواد- گیتا از آن به عنوان ساناتانا دارما^۱ یا طبیعت ابدی یاد شده است. دقیقاً همان‌گونه که اتم‌های مادی جهان مادی را ساخته‌اند، اتم‌های ضدمادی نیز جهان ضدمادی را با تمامی متعلقاتش بنا کرده‌اند. ساکنان جهان ضدمادی، موجودات زنده‌ی

¹ Sanatana Dharma

ضدمادی هستند. در جهان ضدماده، ماده‌ی بی‌جان وجود ندارد. هر چیزی در آن‌جا پدیده‌ای زنده، و شخصیت متعال در این سرزمین، خود خداوند است. ساکنان جهان ضدمادی زندگی جاودان، دانش و شعفی ابدی دارند. به عبارتی دیگر آنها تمامی کیفیات خداوند را دارا هستند.

در جهان مادی بالاترین سیاره ساتیالوکا^۱ یا برهمالوکا^۲ نامیده می‌شود. موجوداتی با بالاترین هوش و استعداد در این سیاره زندگی می‌کنند. برهما، خداوندگار حاکم بر برهمالوکا، نخستین موجود خلق شده در جهان مادی است. برهما موجود زنده‌ای مانند بسیاری از ما، اما باهوش‌ترین شخصیت در جهان مادی است. او با همه‌ی هوش و ذکاوتش در رده‌ی خداوند قرار نمی‌گیرد، بلکه در رده‌ی آن‌گونه از موجودات زنده قرار دارد که مستقیماً توسط خود خداوند کنترل می‌شوند. خداوند و موجودات زنده هر دو به جهان ضدمادی تعلق دارند. بنابراین دانشمندان با تحقیق درباره‌ی ساختار جهان ضدمادی، اینکه آن‌جا چگونه اداره می‌شود، اشیاء در آن‌جا چگونه شکل می‌گیرند، شخصیت‌های حاکم بر آن‌جا چه کسانی هستند و مواردی از این قبیل، خدمت شایانی به همگان می‌نمایند. در میان متون ودایی، شریما- بهاگاواتام^۳ توضیحات مفصلی راجع به این موارد می‌دهد. بهاگاواد- گیتا آموزش مقدماتی جهت مطالعه‌ی شریما- بهاگاواتام است. این دو کتاب مهم از دانش باید به‌طور کامل توسط دانشمندان جهان علمی مطالعه شوند. این کتاب‌ها برای پیشرفت علمی رهنمودهای زیادی دارند و کشفیات جدید زیادی را ممکن می‌سازند.

متعال‌گرایان و ماده‌گرایان دو رده‌ی انسانی مجزا هستند. متعال‌گرایان از متون معتبر مانند وداها کسب دانش می‌کنند. متون ودایی از منابع معتبری دریافت شده‌اند که در سلسله‌ی متعال پیران قرار دارند. سلسله‌ی پیران پارامپارا^۴ در بهاگاواد- گیتا نیز نقل شده

¹ Satyaloka

² Brahmaloaka

³ Srimad Bhagavatam

⁴ Parampara

است. کریشنا در بهاگاواد- گیتا می‌فرماید که گیتا صدها هزار سال پیش به خداوندگار حاکم بر خورشید آموزش داده شده بود و وی این دانش را به پسرش مانو^۱ که نسل کنونی انسان زاده از او شده است، منتقل نمود. مانو به نوبه‌ی خود این دانش متعال را به پسرش پادشاه ایکشواکو^۲، جد خاندانی که بعدها شخصیت خداوند شری رام^۳ در آن ظهور کرد، منتقل نمود. این سلسله‌ی طولانی پیران، پنج هزار سال پیش در دوره‌ی ظهور خداوند کریشنا قطع شده بود و به همین جهت کریشنا بهاگاواد- گیتا را برای آرجونا بازگو کرد تا وی نخستین شاگرد این دانش در این عصر گردد. بدین صورت متعال‌گرایان در این عصر در سلسله‌ی پیرانی واقع شده‌اند که از آرجونا آغاز می‌شود. متعال‌گرا بدون به‌زحمت انداختن خود با تحقیق ماده‌گرایانه، حقیقت را درباره‌ی ماده و ضدماده از بهترین طریق (از طریق این سلسله‌ی پیران) کسب می‌کند و بدین‌گونه خود را از زحمت نجات می‌دهد.

ماده‌گرایان کامل به وجود جهان‌های ضدمادی مخلوق شخصیت خداوند ایمان ندارند. از این‌رو آنان حتی گرچه گاهی بسیار با استعداد، تحصیل کرده و پیشرفته‌اند، اما مخلوقات بدبخت هستند. آنان با تأثیر تجلی مادی سردرگم شده و فاقد دانش ضدماده هستند. از این‌رو این نشانه‌ی خوبی است که دانشمندان ماده‌گرا به مرور به سوی حوزه‌ی جهان ضدماده قدم برمی‌دارند. حتی ممکن است بتوانند به اندازه‌ی کافی پیشرفت نمایند و قادر به فهم جزئیاتی از جهان ضدماده شوند؛ جایی که شخصیت اعلای خداوند به عنوان شخصیت حاکم حضور دارد و موجودات زنده در کنار او زندگی، و به او خدمت می‌کنند. موجودات زنده‌ای که به خداوند خدمت می‌کنند، از نظر کیفی با او برابر، اما در عین حال به عنوان خادم تحت تسلط هستند. در جهان ضدماده هیچ تفاوتی میان کنترل‌کننده و کنترل‌شونده وجود ندارد. رابطه در کمال و بدون هیچ اثر مادی است.

طبیعت جهان مادی مخرب است. طبق بهاگاواد- گیتا، آن بخش از فرضیه‌ی فیزیکی دانشمندان که بر اساس آن نابودی جهان مادی و ضدمادی در اثر برخورد آنها با هم رخ

¹ Manu

² Ikṣvāku

³ Sri Rama

خواهد داد، به حقیقت نزدیک است. جهان مادی از برهم کنش گونه‌های^۱ مادی خلق شده است. این گونه‌ها با عنوان ساتوا^۲ یا نیکی، راجا^۳ یا شهوت و تاماس^۴ یا جهل شناخته می‌شوند. جهان مادی از گونه‌ی راجا خلق، با گونه‌ی ساتوا نگهداری و توسط گونه‌ی تاماس نابود می‌شود. این گونه‌ها در همه جای دنیای مادی حضور دارند و به همین جهت در هر ساعت، هر دقیقه و هر ثانیه فرایند خلقت، نگهداری و نابودی در همه جای کیهان مادی اتفاق می‌افتد. بالاترین سیاره در کیهان مادی یعنی برهمالوکا نیز تحت تأثیر گونه‌های مادی قرار دارد؛ گرچه طول حیات در آن سیاره به دلیل تسلط گونه‌ی نیکی بر آن به $۱۰۰ \times ۱۲ \times ۳۰ \times ۲ \times ۱۰۰۰ \times ۴۳۰۰۰۰۰$ سال خورشیدی می‌رسد. به هر حال علی‌رغم این عمر طولانی، برهمالوکا نیز در معرض نابودی است. اگرچه حیات در برهمالوکا در مقایسه با طول حیات بر روی زمین به طور شگفت‌انگیزی طولانی است، در برابر زندگی جاودان جهان‌های ضدمادی جرقه‌ای بیش نیست. بنابراین خداوند شری کریشنا، گوینده‌ی بهاگاواد- گیتا، بر اهمیت جهان ضدآماده که محل اقامت وی است، تأکید می‌کند.

خداوند کریشنا چنین آموزش می‌دهد که تمام سیارات در جهان مادی پس از $۱۰۰ \times ۱۲ \times ۳۰ \times ۲ \times ۱۰۰۰ \times ۴۳۰۰۰۰۰$ سال خورشیدی نابود می‌شوند، و همه‌ی موجودات زنده‌ی ساکن این سیارات مادی، با فروپاشی جهان مادی از جنبه‌ی مادی نابود می‌شوند. اگرچه موجود زنده فطرتاً ذره‌ای ضدمادی است، اما اگر با پرورش و انجام اعمال ضدمادی، خود را به سطح جهان ضدآماده ارتقاء ندهد، با فروپاشی جهان مادی، از جنبه‌ی مادی نابود می‌شود و پس از برپایی یک جهان مادی جدید، باید تولد دیگری را در قالب مادی پذیرا شود. به عبارت دیگر، وی در معرض رنج‌های تولد و مرگ پیاپی است. تنها موجودات زنده‌ای که در هنگام تجلی حیات مادی، به شخصیت متعال خداوند خدمت

¹ Guna

² Satva

³ Raja

⁴ Tamasa

عاشقانه می‌نمایند، بی‌شک پس از ترک بدن مادی به جهان ضدمادی منتقل می‌شوند. جاودانگی را تنها کسانی به دست می‌آورند که با انجام اعمال ضدمادی به سوی خداوند باز می‌گردند.

این اعمال ضدماده چه هستند؟ برای مثال دکترها را در نظر بگیریم. هرگاه شخصی بیمار شود، نزد پزشک می‌رود و او برایش دارویی تجویز می‌نماید که سرانجام بیمار را درمان می‌کند. مشابهاً چون ماده‌گرا بیمار است، برای درمان خود باید نزد یک متعال‌گرای حاذق برود. بیماری وی چیست؟ او از رنج‌های تولد، مرگ، بیماری و پیری مکرر در عذاب است. حال اگر بپذیرد که خود را تحت درمان بازگشت به سوی خداوند قرار دهد، قادر به انتقال خود به جهان ضدمادی می‌شود؛ جایی که به جای تولد و مرگ، زندگی در آن جاودانه است.

نابودی دنیای مادی به دو طریق صورت می‌پذیرد. نابودی جزئی در پایان هر ۱۰۰۰×۴۳۰۰۰۰۰ سال خورشیدی یا به عبارتی در پایان هر روز برهمالوکا که بالاترین سیاره در جهان مادی است، اتفاق می‌افتد. در طول آن نابودی جزئی، سیارات فوقانی از قبیل برهمالوکا نابود نمی‌شوند؛ اما در پایان هر دوره از $۱۰۰ \times ۱۲ \times ۳۰ \times ۲ \times ۱۰۰ \times ۴۳۰۰۰۰۰$ سال خورشیدی، تمام خلقت مادی جذب بدن ضدمادی می‌شوند که عناصر مادی از آن سرچشمه گرفته، ظهور کرده و پس از نابودی به آن باز می‌گردند. جهان ضدمادی که بسیار از آسمان مادی دور است، هرگز نابود نمی‌شود و جهان مادی را جذب می‌کند. ممکن است همان‌گونه که دانشمندان می‌گویند میان جهان‌های مادی و ضدمادی تصادمی رخ دهد و جهان مادی بدین‌گونه نابود گردد، اما جهان ضدمادی هرگز نابود نمی‌شود. جهان جاودانه‌ی ضدمادی حاضر برای دانشمند مادی قابل رؤیت نیست. او فقط می‌تواند اطلاعاتی به دست آورد که نشان می‌دهند اصول وجودش مغایر با گونه‌های جهان مادی هستند. جزئیات کامل از کیهان ضدماده تنها از طریق مراجع رها شده و منزله از گناه می‌تواند درک شود، یعنی کسانی که کاملاً ساختار اصول ضدمادی را درک کرده‌اند. این اطلاعات از طریق شنیدن توسط یک شاگرد فروتن خداوند متعال دریافت می‌شود.

بدین صورت دانش ودایی به قلب برهما که نخستین موجود زنده در خلقت مادی است، الهام شد. برهما نیز این دانش را به حکیم نارادا مونی^۱ آموزش داد. به طور مشابه بهاگاواد- گیتا توسط شخصیت خداوند شری کریشنا برای ویواسوان^۲، خداوندگار حاکم بر خورشید گفته شد و هنگامی که رشته‌ی شنودی سلسله‌ی پیران قطع شد، خداوند کریشنا در میدان جنگ کوروکشترا، بهاگاواد- گیتا را برای آرجونا تکرار نمود. در آن زمان آرجونا نقش شاگرد و مرید را جهت دریافت دانش متعال از شری کریشنا ایفا نمود. جهت جلوگیری از هرگونه سوء تعبیری از سمت ماده‌گرایان در جهان، آرجونا درباره‌ی تمامی موضوعات مرتبط سؤالاتی را مطرح نمود و پاسخ‌ها به گونه‌ای توسط کریشنا ارائه شد که هر فرد عامی بتواند آنها را بفهمد. فقط آنانی که مجذوب فریبندگی دنیای مادی شده‌اند نمی‌توانند حاکمیت خداوند شری کریشنا را بپذیرند. شخص باید کاملاً پاکدل و نیکوصفت شود تا بتواند جزئیات جهان ضمدادی را درک نماید. بهاکتی- یوگا فعالیت علمی روحانی با جزئیات کامل است که هم فرد مبتدی و هم یوگی کامل می‌توانند به تمرین آن پردازند.

جهان مادی تنها نمایشی سایه‌وار از جهان ضمدادی است و اشخاص هوشمندی که پاکدل و نیکوصفت باشند، قادر به یادگیری تمامی جزئیات جهان ضمدادی از متن بهاگاواد- گیتا خواهند بود که در واقع بسیار جامع‌تر از جزئیات مادی هستند. جزئیات اساسی از این قرارند:

خداوند حاکم بر جهان ضمدادی شری کریشنا است که در شخصیت اصلی و نیز در بسط‌های کامل خود حضور دارد. درک این شخصیت و بسط‌های کامل وی تنها از طریق اعمال ضمدادی که به نام بهاکتی- یوگا یا خدمت عابدانه‌ی شناخته شده، میسر است. شخصیت والای خداوند حقیقت مطلق است و تمامیت اصل ضمداده هم اوست. اصل مادی و ضمدادی از شخص وی متجلی می‌شوند. او ریشه‌ی کل درخت است. هرگاه به ریشه‌ی درخت آب داده شود، شاخه‌ها و برگ‌ها نیز به‌طور خودکار سیراب

¹ Narada Muni

² Vivasvan

می‌شوند. به همین ترتیب هرگاه شری کریشنا، شخصیت خداوند، پرستش گردد تمام بخش‌های دنیای مادی منور، و قلب عابد بدون تلاش مادی سیراب می‌شود. این راز بهاگاواد- گیتا است.

فرایند ورود به جهان ضدماده متفاوت از فرایندهای مادی است. موجود زنده در طول اقامت در جهان مادی می‌تواند بسیار ساده با تمرین فعالیت‌های ضدمادی به جهان ضدماده وارد شود. اما آنها که واقعاً ماده‌گرایان کاملی هستند و بر قوه‌ی محدود تفکر تجربی، پندار ذهنی و دانش مادی تکیه نموده‌اند، در ورود به جهان ضدماده با مشکلات بزرگی مواجه می‌شوند. ماده‌گرای کامل شاید برای رسیدن به جهان ضدماده سعی کند از فضاپیما، ماهواره، موشک و از این قبیل ابزارها استفاده کند و آنها را به فضا پرتاب نماید، اما با چنین ابزاری او حتی نخواهد توانست به سیارات مادی طبقات بالای آسمان مادی دسترسی یابد، چه رسد به سیارات واقع در آسمان ضدمادی که بسیار دور از کیهان مادی هستند. حتی یوگی‌هایی که نیروهای ماورایی^۱ را تحت کنترل خود آورده‌اند، به سختی می‌توانند به آن حوزه‌ها وارد شوند. استادان یوگی که با تمرین نیروهای ماورایی ذره‌ی ضدمادی را در بدن مادی تحت کنترل خود آورده‌اند، می‌توانند بدن مادیشان را با اراده‌ی خود در لحظه‌ای معین رها کنند و سپس از طریق معبر خاصی که جهان مادی را به جهان ضدماده وصل می‌کند، وارد جهان ضدماده شوند. اگر آنها توانایی انجام چنین کاری را داشته باشند، در واقع مطابق با روش‌های تجویز شده در بهاگاواد- گیتا (۲۴/۸) عمل می‌نمایند:

آنان که متعال را درک کرده‌اند می‌توانند با ترک بدن مادیشان در طول دوره‌ی اوتارایانا^۲، یعنی زمانی که خورشید بر روی مدار شمالی‌اش قرار دارد و یا در طول لحظاتی خجسته که خداوندگاران آتش و نور، جو را کنترل می‌کنند، به جهان ضدمادی وارد شوند.

خداوندگاران مختلف یا حکمرانان قدرتمند برای اداره‌ی امور کیهانی تعیین شده‌اند. انسان‌های نادانی که قادر به فهم پیچیدگی اداره‌ی امور کیهان نیستند، موضوع مدیریت

^۱ mystic powers

^۲ uttarāyana

اختصاصی آتش، هوا، الکتروسیته، روز، شب و غیره توسط خداوندگاران را مورد تمسخر قرار می‌دهند. اما یوگی‌های کاملی که می‌دانند چگونه رضایت این مدیران دیده نشده‌ی امور مادی را جلب کنند، رضایت آنان را کسب می‌نمایند و با اراده‌ی خود در لحظه‌ای معین، بدن مادی‌شان را ترک می‌کنند تا به کیهان ضمدادی و یا به بالاترین سیارات در آسمان مادی وارد شوند. یوگی‌ها در سیارات فوقانی جهان مادی می‌توانند برای صدها هزار سال از زندگی بسیار آسوده‌تر و دلپذیرتری لذت ببرند، اما با این وجود زندگی در آن سیارات فوقانی ابدی نیست. آنان که آرزوی زندگی جاودان دارند با کمک نیروهای ماورایی در لحظاتی معین که توسط خداوندگاران کارگزار امور کیهانی به‌وجود می‌آیند، به جهان ضمدادی وارد می‌گردند. این مدیران کیهانی را ماده‌گرایان کاملی که در سیاره‌ی رده هفتمی به نام زمین ساکن هستند، نمی‌توانند ببینند.

آنانی که یوگی نیستند، اما به‌خاطر اعمال متقیانه‌ای مانند قربانی، صدقه و غیره در لحظه‌ای معین می‌میرند، می‌توانند پس از مرگ به سیارات فوقانی صعود کنند؛ اما در معرض بازگشت به سیاره‌ی زمین هستند. صعود آنان در دوره‌ای به نام دوما^۱ صورت می‌گیرد که به معنی تاریکی و ماه هلال است و یا هنگامی که خورشید در مدار جنوبی خود قرار دارد.

به طور خلاصه به‌گاواد- گیتا توصیه می‌کند اگر شخص آرزوی ورود به جهان ضمدادی را دارد، بهتر است روش‌های خدمت عابدانه و یا به عبارتی فعالیت‌های ضمدادی را در پیش گیرد. کسانی که انجام خدمت عابدانه را همان‌گونه که متعال‌گرایان برجسته تجویز نموده‌اند می‌پذیرند، هیچ‌گاه در تلاش خود جهت دستیابی به جهان ضمدادی ناامید نمی‌شوند. با وجود مشکلات فراوان، عابدان خداوند کربشنا با پیروی دقیق سلوک تعیین شده توسط عابدان متعال‌گرا، می‌توانند به‌راحتی از موانع گذر کنند. چنین عابدانی که راهیان سیر و سفر زندگی به سمت ملکوت ضمدادی خداوند هستند، هرگز سرگشته نمی‌شوند. هیچ‌کس وقتی که راه مطمئن خدمت عابدانه را جهت ورود به کیهان ضمدادی می‌پذیرد، اغفال یا مأیوس نمی‌شود. شخص به سادگی می‌تواند با انجام خدمت

¹ dhūma

عابدانه‌ی یک‌جانبه معروف به بهاکتی - یوگا، نتایجی را که با تحصیل وداها، انجام قربانی، ریاضت کشیدن و صدقه دادن حاصل می‌شوند، به دست آورد. از این رو بهاکتی - یوگا بهترین درمان همه‌ی دردها برای همگان است که تمرین آن به ویژه در این عصر آهن توسط خود خداوند کریشنا با والاترین، باسخت‌ترین و بخشنده‌ترین ظهور خود به صورت شری چیتانیا (۱۵۳۴-۱۴۸۶) آسان شده است. کسی که در بنگال ظهور کرد و جنبش سان کیرتان^۱ شامل خواندن، رقصیدن و ذکر نام خداوند را در هند پخش نمود. با لطف خداوند چیتانیا شخص می‌تواند سریعاً از اصول بهاکتی - یوگا پیروی نماید. بدین‌گونه تمام شک و شبهه‌ها از قلب زدوده می‌شود، آتش رنج مادی خاموش می‌گردد و شغف روحانی به درون هدایت خواهد شد.

در فصل پنجم برهما - سامهیتا توصیفی از تنوع سیستم سیاره‌ای در دنیای مادی وجود دارد. همچنین در بهاگاواد - گیتا به تنوع سیستم‌های سیاره‌ای در صدها هزار کیهان مادی اشاره شده است و تمام آنان مجموعاً یک‌چهارم از انرژی خلاقه‌ی خداوند را شامل می‌شوند. بیشترین مقدار انرژی خلاقه‌ی خداوند یعنی سه چهارم آن در آسمان روحانی به کار رفته است که پارا - ویوما^۲ یا وایکونتها لوکا^۳ نامیده می‌شود. شاید روزی هنگامی که دانشمندان مادی درباره‌ی موجودیت جهان ضد ماده تحقیق می‌کنند، آموزش‌های برهما - سامهیتا و بهاگاواد - گیتا توسط آنان تأیید گردد.

به علاوه خبرنامه‌ی مسکو در تاریخ ۲۱ فوریه‌ی ۱۹۶۰ چنین گزارش می‌دهد:

پرفسور منجم مشهور روسی بوریس ورونتسو - ولیامینوف می‌گوید باید تعداد بی‌شماری سیاره در کیهان با ساکنانی هوشمند وجود داشته باشد.

نظریه‌ی این منجم روسی تأییدی بر اطلاعات داده شده در برهما - سامهیتا (۴۰/۵) است که می‌گوید:

yasya prabhā prabhavato jagand-āṇḍa-koti-

¹ Sankirtan

² Para-vyoma

³ Vaikunthaloka

*kotiṣv aśeṣa-vasudhādi-vibhūti-bhinnaṃ
tad brahma niṣkalam anantam aśeṣa-bhūtaṃ
govindam ādi-puruṣaṃ tam ahaṃ bhajāmi*
[Bs. 5.40]

بر اساس این نقل قول از برهما-سامهیتا نه فقط تعداد سیارات بی‌شماری وجود دارد که وجود آنها توسط منجم روسی تأیید شده است، بلکه کیهان‌های بی‌شماری نیز وجود دارند. تمام این کیهان‌های بی‌شمار به همراه سیارات بی‌شماری که در خود دارند در فضا شناورند و از درخشندگی برهنه ایجاد می‌شوند که از بدن متعال ماها-ویشنو^۱، کسی که توسط برهما، خداوندگار حاکم بر کیهانی که ما در آن ساکنیم، پرستش می‌شود، متجلی می‌گردند.

منجم روسی همچنین تأیید می‌نماید همه‌ی سیارات که تعدادشان بیش از یک صد میلیون تخمین زده می‌شود، مسکونی هستند. در برهما-سامهیتا اشاره شده است که در هر کدام از کیهان‌های بی‌شمار، سیارات بی‌شمار گوناگونی وجود دارد. دیدگاه این منجم را یک بیولوژیست به نام پروفیسور ولادمیر آلپاتوف تأیید نموده است. وی مدعی است برخی از سیارات مزبور به وضعیتی از تکامل رسیده‌اند که متناظر با زمین هستند. مقاله‌ی مسکو ادامه می‌دهد:

امکان دارد حیاتی مشابه آنچه بر روی زمین جریان دارد، در آن قبیل سیارات رشد و نمو یابد. دکتر شیمیدان نیکولا ژیروف که در مورد مسئله‌ی جوّ سیارات تحقیق می‌کند، عقیده دارد که برای مثال ارگانیسم یک مریخی می‌تواند خود را با درجه حرارت پایین بدن در شرایط عادی حیات تطبیق دهد. او می‌گوید دریافته است که ترکیب گازهای اتمسفر مریخ، برای بقای حیات جاندارانی که خود را به شرایط آنجا وفق داده‌اند، کاملاً مناسب است.

قابلیت انطباق ارگانیسم‌ها در سیارات گوناگون، در برهما-سامهیتا به عنوان ویهوتی-بهینام^۲ توصیف شده است. به این معنی که هر یک از سیارات بی‌شمار در هر کیهان

¹ Maha-Visnu

² vibhūti-bhinnaṃ

دارای اتمسفر ویژه‌ای است و موجودات زنده آن‌جا بر اساس اتمسفر برتر و یا پست‌تر در موضوع دانش، روان‌شناسی و غیره پیشرفت کرده‌اند. ویهوتی به معنی "قدرت خاص"، و بهینام به معنی "متنوع" است. دانشمندانی که برای اکتشاف فضای خارج از جو زمین و دسترسی به دیگر سیارات با وسایل مکانیکی تلاش می‌کنند، باید دریابند که ارگانیسم‌های موجود در روی زمین که به اتمسفر آن وفق یافته‌اند، در اتمسفر سیارات دیگر دوام نمی‌آورند. بدین لحاظ تلاش بشر برای رسیدن به ماه، خورشید یا مریخ، به‌خاطر اتمسفرهای متفاوت غالب بر آن سیارات کاملاً بیهوده خواهد بود. شخص می‌تواند برای رفتن به هر سیاره‌ای که آرزو دارد تلاش کند، اما این امر تنها با تحول روانی در ذهن امکان‌پذیر خواهد بود. ذهن هسته‌ی مرکزی بدن مادی است. پیشرفت تکاملی تدریجی بدن مادی به تحولات روانی در ذهن وابسته است. تغییر ساختار بدنی یک کرم به پروانه و در دانش مدرن پزشکی، تبدیل بدن یک مرد به زن یا برعکس، کم و بیش به تحولات روانی وابسته هستند.

در بهاگاواد- گیتا گفته شده است اگر شخص در لحظه‌ی مرگ، ذهنش را بر فرم شخصیت خداوند شری کریشنا متمرکز نماید و در چنین حالتی بدنش را ترک نماید، بی‌درنگ به هستی روحانی در جهان ضدماده نایل خواهد آمد. بدین معنی که هرکس با انجام قواعد توصیه‌شده‌ی خدمت عابدانه، ذهن خود را به روی گرداندن از ماده و معطوف نمودن بر فرم روحانی خداوند تمرین دهد، می‌تواند به آسانی به ملکوت خداوند در آسمان ضدمادی دست یابد. در این باره هیچ شکی نیست.

و به همین طریق اگر کسی آرزوی ورود به هر سیاره‌ی دیگری در آسمان مادی را داشته باشد، می‌تواند پس از ترک بدن فعلی‌اش (یعنی پس از مرگ) به آن‌جا برود. بدین‌سان اگر کسی بخواهد به ماه، خورشید یا مریخ برود، می‌تواند به سادگی با انجام اعمال خاصی به هدفش برسد. بهاگاواد- گیتا این نکته را چنین تأیید می‌کند:

بر هر آنچه که شخص در زمان مرگ مراقبه و هنگام ترک بدن بدان فکر کند، همان را پس از مرگ به‌دست می‌آورد.

ماهارج بهاراتا علی‌رغم زندگی با ریاضت‌های سخت، در هنگام مرگش به گزونی فکر کرد و بدین‌سان پس از مرگش تبدیل به گوزن شد. اما وی آگاهی کامل از زندگی قبلی خویش را از دست نداد و خطایش را درک نمود. درک آن که افکار شخص در زمان مرگ، از کردار واقعی وی در طول زندگی‌اش تأثیر می‌پذیرد، بسیار مهم است. در شریما-د-بهاگواتام (کنتوی سوم، فصل سی و دو)، روند ورود به ماه این چنین توضیح داده شده است:

اشخاصی با گرایش مادی که هیچ اطلاعی در مورد ملکوت خداوند ندارند، همواره در پی اکتساب مادی ثروت، شهرت و ستایش هستند. چنین اشخاصی برای رضایت خود، علاقمند به توسعه‌ی ثروت در خانواده‌شان هستند و نیز به رشد جامعه و رفاه ملی تمایل دارند. این اشخاص با اعمال مادی به آرزوهایشان می‌رسند. آنان به‌صورتی مکانیکی مشغول انجام مراسم دینی از وظایف تجویز شده هستند و در نتیجه به خشنود نمودن پیتاها^۱ یا نیاکان متوفی و کنترل خداوندگاران از طریق انجام قربانی طبق کتب مقدس تجویز شده تمایل دارند. چنین ارواحی که به انجام مراسم و آداب مذهبی خو گرفته‌اند، پس از مرگ به سیاره‌ی ماه وارد می‌شوند. هرگاه شخص به ماه ارتقاء یابد، توانایی لذت بردن از نوشیدن سوما راسا^۲، شهید آسمانی را به‌دست می‌آورد. ماه مکانی است که فرشته‌ای به نام چاندرا^۳ بر آن حکومت می‌کند. اتمسفر و سازگاری حیات در آن‌جا بسیار راحت‌تر و ممتازتر از روی زمین است. اگر روح پس از صعود به ماه نتواند از این فرصت جهت ارتقاء به سیارات بهتر استفاده کند، نزول می‌کند و مجبور به بازگشت به زمین و یا سیاره‌ای مشابه می‌گردد. به هر حال اشخاص مادی‌گرا حتی اگر به بالاترین سیستم سیاره‌ای برسند نیز به طور قطع در زمان ازهم‌پاشیدگی کیهان نابود می‌شوند.

در رابطه با سیستم سیاره‌ای آسمان روحانی می‌توان گفت که سیاره‌های وایکوتنها^۴ بی‌شماری در پارا-ویوما^۱ وجود دارد. وایکوتنهاها سیاره‌هایی روحانی و تجلی نیروی

¹ Pita

² soma-rasa

³ Candra

⁴ Vaikuntha

درونی خداوند هستند و نسبت این سیاره‌ها به سیاره‌های مادی (انرژی بیرونی) در آسمان مادی سه به یک است. بنابراین مادی‌گرایی بیچاره مشغول تدوین اصلاحات سیاسی بر روی سیاره‌ای است که در خلقت خداوند بسیار ناچیز به‌شمار می‌رود. صرف‌نظر از سیاره‌ی زمین، تمام کیهان با بی‌شمار سیاره در میان کهکشان‌ها، با یک دانه‌ی تخم خردل در میان کیسه‌ای از تخم خردل قیاس شده است. اما مادی‌گرایی بیچاره برای زندگی آسوده‌تر در این‌جا نقشه می‌کشد و بدین‌سان انرژی انسانی پرارزش خود را برای چیزی که محکوم به فناست به‌هدر می‌دهد. به‌جای هدر دادن وقت خود با تجارت ناسالم، او می‌توانست در پی یک زندگی ساده با تفکری والا باشد تا بدین‌سان خود را از بی‌قراری مداوم مادی حفظ نماید.

حتی اگر مادی‌گرا بخواهد از تسهیلات پیشرفته‌ی مادی بهره‌مند گردد، می‌تواند خود را به سیاره‌ای انتقال دهد که در آن‌جا بتواند لذایذ مادی بسیار پیشرفته‌تری از سیاره‌ی زمین را تجربه نماید. اما بهترین برنامه، آماده‌سازی خود جهت بازگشت به آسمان روحانی پس از ترک بدن است. با این وجود اگر شخص مصمم به لذت بردن از امکانات مادی باشد، می‌تواند با بهره‌گیری از قدرت‌های یوگا خود را به دیگر سیارات در آسمان مادی انتقال دهد. سفینه‌های فضایی منجمان، اسباب‌بازی بچه‌گانه‌ای هستند و برای این منظور سودی ندارند.

سیستم یوگای آشتانگا^۲ نیز مادی‌گرایانه است؛ چرا که به شخص کنترل جابه‌جایی هوا را در بدن مادی آموزش می‌دهد. روح، بارقه‌ی روحانی شناور در هوای درون بدن است و دم و بازدم، موج‌هایی از آن هوا هستند که روح را در برمی‌گیرند. بدین‌ترتیب سیستم یوگا نوعی هنر مادی کنترل این هوا با انتقال آن از شکم به ناف، از سینه به سمت ترقوه و از آن‌جا به مردمک چشم و سپس به مخچه و از آن‌جا به هر سیاره‌ی دلخواه است. دانشمند مادی سرعت هوا و نور را بررسی نموده است، اما هیچ اطلاعی از سرعت ذهن و هوش ندارد. ما تجربه‌ای محدود از سرعت ذهن داریم، زیرا می‌توانیم در یک لحظه ذهن خود

¹ para-vyoma

² aṣṭāṅga-yoga

را تا صدها هزار مایل دورتر انتقال دهیم. شعور حتی از ذهن هم لطیفتر است. روح لطیفتر از شعور است، زیرا مانند ذهن و شعور از جنس ماده نیست، بلکه روحانی یا ضد ماده است. روح صدها هزار بار لطیفتر و قدرتمندتر از شعور است. بنابراین ما تنها قادر خواهیم بود سرعت روح در سفرش به سیارات دیگر را تصور کنیم. نیازی به بیان این نکته نیست که روح با توان خود، و نه با کمک هرگونه وسیله‌ی نقلیه‌ی مادی سفر می‌کند.

فرهنگ حیوانی خوردن، خوابیدن، ترس و ارضای حواس، انسان‌های مدرن را گمراه کرده است و آنها فراموش نموده‌اند که چه روح قدرتمندی دارند. همان‌طور که پیش از این شرح داده شد، روح بارقه‌ای روحانی است که بارها و بارها درخشنده‌تر، خیره‌کننده‌تر و قدرتمندتر از خورشید، ماه و یا الکتروسیته است. اگر شخص هویت خود را به عنوان روح درک نکند، حیات وی به هدر خواهد رفت. خداوند چیتانیا به همراه مریدش نیتیاناندا جهت نجات بشر از این تمدن گمراه، ظهور نمود.

شریماد- بهاگواتام نیز توضیح می‌دهد که یوگی‌ها چگونه می‌توانند به تمام سیارات در کیهان سفر کنند. هنگامی که نیروی حیاتی به سمت مخچه صعود کند، شانس زیادی وجود دارد که این نیرو از طریق چشم‌ها، بینی، گوش‌ها و غیره که به عنوان حوزه‌ی هفتم انرژی حیاتی شناخته می‌شوند، از بدن خارج شوند. اما یوگی‌ها می‌توانند این منافذ را با توقف کامل تنفس مسدود نمایند. آنگاه یوگی نیروی حیاتی را در موقعیت میانی یا به عبارتی وسط دو ابرو متمرکز می‌کند. در این وضعیت یوگی می‌تواند بر سیاره‌ای که می‌خواهد پس از ترک بدن به آنجا برود، تمرکز نماید. او سپس می‌تواند تصمیم بگیرد که می‌خواهد به ملکوت کریشنا در وایکونتها، جایی که نیاز به بازگشت به جهان مادی نخواهد داشت، و یا به سیارات بالاتر در کهکشانشان مادی سفر کند. یوگی کامل در انتخاب هر یک از این دو مقصد آزاد است.

برای یوگی کاملی که در شیوه‌ی ترک بدن در آگاهی کامل موفقیت کسب نموده است، انتقال از سیاره‌ای به سیاره‌ی دیگر به آسانی رفتن انسان معمولی به خواروبار فروشی است. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، بدن مادی تنها یک پوشش برای روح است. ذهن

و هوش پوشش مخفی و بدن زمخت ساخته شده از خاک، آب، هوا و غیره، پوشش بیرونی روح هستند. به همین صورت هر روح پیشرفته‌ای که با روش یوگا به ادراک از خود رسیده باشد و رابطه‌ی میان ماده و روح را بداند، می‌تواند لباس زمخت روح را همان‌گونه که آرزو کرده بود در وضعیتی مناسب رها کند. به لطف خداوند به ما استقلال کامل داده شده است. از آن‌جا که خداوند با ما مهربان است، می‌توانیم در هر جایی زندگی کنیم؛ چه در آسمان روحانی و چه در آسمان مادی، و بر روی هر سیاره‌ای که آرزو داریم. اما سوء استفاده از این استقلال سبب می‌شود تا شخص به جهان مادی سقوط کند و از رنج‌های سه‌گانه‌ی زندگی مقید عذاب بگردد. زندگی محنت‌بار در جهان مادی به‌وسیله‌ی انتخاب روح، در بهشت گمشده‌ی میلتون^۱ به زیبایی به تصویر کشیده شده است. به‌طور مشابه، روح می‌تواند با انتخاب خود بهشت را دوباره به‌دست آورد و به خانه، نزد خداوند باز گردد.

در لحظه‌ی بحرانی مرگ، شخص می‌تواند نیروی حیاتی را میان دو ابرو قرار دهد و تصمیم بگیرد به کجا می‌خواهد برود. اگر او هیچ تمایلی برای ارتباط با جهان مادی نداشته باشد، در کمتر از یک ثانیه می‌تواند به وایکوتتهای روحانی برسد و در بدن روحانی‌اش ظاهر شود که در اتمسفر روحانی برای وی مناسب خواهد بود. او فقط باید خواسته‌ی ترک دنیای مادی در هر دو قالب زمخت و لطیف را داشته باشد و سپس نیروی حیاتی را به بالاترین بخش سر هدایت، و بدن را از منفذی در جمجمه به‌نام برهما-راندرا^۲ ترک نماید. این بالاترین سطح کمال در تمرین یوگاست.

از آن‌جا که به انسان حق اختیار عطا شده است، اگر نخواهد خود را از جهان مادی برهاند، شاید بخواهد از زندگی برهما-پادا^۳ یا مقام برهما لذت ببرد و به سیدهالوکا^۴ برود؛ سیاره‌ای که ساکنانش پیشرفت مادی کامل، و قابلیت کنترل نیروی جاذبه، فضا، زمان و غیره را دارند. برای رفتن به سیارات فوقانی در کیهان مادی شخص نیازی به رها

¹ by Milton in Paradise Lost

² brahma-randhra

³ brahma-pada

⁴ Siddhaloka

کردن ذهن و هوش خود که لطیف‌تر هستند ندارد؛ بلکه تنها کافی است ماده‌ی زمخت‌تر یا بدن مادی را رها کند. ماهواره‌های ساخت بشر و وسایل فضایی مکانیکی هرگز قادر به انتقال وی به سیارات دیگر نیستند. بشر حتی نمی‌تواند به ماه که تبلیغات زیادی درباره‌اش شده است سفر نماید؛ زیرا همان‌طور که شرح داده شد، اتمسفر در سیارات فوقانی متفاوت از اتمسفر در زمین است. هر سیاره‌ای اتمسفر مخصوص خود را دارد و اگر کسی بخواهد به سیاره‌ی خاصی در کیهان مادی سفر کند، باید بدن مادی مناسب برای اوضاع جوی آن سیاره را داشته باشد. برای مثال، اگر کسی بخواهد از هند به اروپا برود، جایی که اوضاع جوی متفاوتی دارد، باید لباس مناسبی بپوشد. به طور مشابه، اگر کسی بخواهد به سیارات روحانی وایکوتنها برود، تعویض کامل بدن ضروری است.

اگر کسی بخواهد به سیارات مادی بالاتر برود، می‌تواند پوشش لطیف ذهن، هوش و منیت خود را حفظ کند، اما باید پوشش زمخت (بدن) که از خاک، آب، آتش و غیره ساخته شده را ترک کند. به هر حال برای ورود به سیاره‌ی روحانی لازم است که شخص هر دو بدن زمخت و لطیف را تعویض کند، زیرا برای رسیدن به آسمان روحانی باید بدنی کاملاً روحانی داشته باشد. این تعویض پوشش اگر شخص واقعاً آرزوی آن را داشته باشد، در زمان مرگ به طور خودکار صورت می‌پذیرد. اما این آرزو هنگامی در لحظه‌ی مرگ برآورده می‌شود که شخص در طول زندگی خود آن‌را پرورش داده باشد. هر جا اندوخته‌های شخص باشد، قلب او هم هست.^۱ هرگاه کسی به خدمت عبادانه بپردازد، آرزوی ملکوت خداوند را در خود پرورش می‌دهد. نکات زیر اعمال عمومی را نشان می‌دهد که با پرداختن به آنها، شخص می‌تواند خود را برای سفری آسان به سیارات وایکوتنها (ضمدادی) آماده کند، جایی که حیات در آن از تولد، پیری، بیماری و مرگ آزاد است.

اعمال عمومی (وظایف انجام دادنی):

¹ Where one's treasures are, there also is one's heart.

۱- خواهان جدی باید پیر روحانی معتبر و موثقی را جهت گرفتن آموزش‌های علمی بپذیرد؛ زیرا حواس مادی هستند و با آنها امکان درک متعال میسر نیست. از این‌رو حواس باید با کاربرد روش‌های تجویز شده تحت رهبری پیر روحانی، معنوی شوند.

۲- هرگاه مرید پیر روحانی موثقی را انتخاب نمود، باید به شایستگی از او تشریف بگیرد. این کار نشانه‌ی آغاز آموزش روحانی است.

۳- مرید باید آمادگی راضی نمودن پیر روحانی از هر نظر را داشته باشد. پیر روحانی موثق، کسی که به روندهای دانش روحانی آگاه است، دانشمند متون مقدس از قبیل بهاگواد- گیتا، ودانتا^۱، شریماد- بهاگواتام و اوپانیسادهای^۲ و شخصی خودشناخته است که ارتباط محسوسی با خداوند متعال برقرار نموده و واسطه‌ای شفاف است که مرید مصمم را در مسیر وایکونتها راهنمایی می‌کند. پیر روحانی باید از هر حیث راضی شود، زیرا تنها با دعای خیر وی، مرید می‌تواند به پیشرفت فوق‌العاده‌ای در این راه نایل شود.

۴- مرید باهوش از پیر روحانی سوالات هوشمندانه می‌پرسد تا راه سلوک خود را از هرگونه ابهام پاک سازد. پیر روحانی راه را نه خودسرانه، بلکه مطابق با اصول و قواعدی که از سوی مراجع معتبر، یعنی کسانی که راه سلوک را پیموده‌اند، وضع شده است نشان می‌دهد. نام این مراجع در متون آمده است و شخص باید تحت رهبری پیر روحانی از آنان پیروی کند. پیر روحانی هرگز از مسیر مراجع منحرف نمی‌شود.

۵- مرید باید همواره از حکیمان بزرگی پیروی کند که طریق سلوک را در عمل انجام داده و به موفقیت رسیده‌اند. این مطلب را باید همچون اندرزی حکیمانه به کار گرفت. شخص نباید به طور سطحی از آنان تقلید کند، بلکه باید با خلوص و برحسب شرایط زمانی و مکانی از آنان پیروی نماید.

۶- مرید باید حاضر به تغییر عادات خود برحسب تعالیمی که در کتب مراجع آمده باشد و برای رضایت خداوند و با پیروی از نمونه‌ی آرجونا، باید آمادگی انجام قربانی ارضای حواس و کف نفس را نیز داشته باشد.

¹ Vedānta

² Upaniṣads

- ۷- مرید باید در محیطی روحانی زندگی کند.
- ۸- او باید با آن مقدار ثروت که برای گذران زندگی لازم است، راضی باشد و نباید برای جمع‌آوری ثروتی بیشتر از آنچه جهت حفظ خود در یک وضعیت مناسب لازم دارد، تلاش نماید.
- ۹- او باید روزهای روزه‌داری مانند یازدهمین روز از ماه کامل و هلال را رعایت کند.
- ۱۰- او باید به درخت بانیان^۱، گاو، فرد برهمن و عابد احترام بگذارد.
- این‌ها نخستین گام‌های حرکت در مسیر خدمت عابدانه هستند. به تدریج شخص باید نکات دیگری که ویژگی پرهیزی دارند را رعایت کند:
- ۱۱- شخص باید از اهانت هنگام انجام خدمت عابدانه و اهانت به ذکر نام مقدس احتراز کند.
- ۱۲- او باید از معاشرت بیش از حد با غیرعابدان پرهیز کند.
- ۱۳- او نباید شاگردان زیادی بپذیرد. یعنی مریدی که دوازده نکته‌ی بالا را با موفقیت رعایت کند، می‌تواند پیر روحانی گردد، همان‌گونه که یک دانشجو مبصر کلاس می‌شود و تعداد محدودی از شاگردان را اداره می‌کند.
- ۱۴- او نباید خود را فقط با نقل قول کردن از کتاب‌ها، شخصی فهیم نشان دهد. او باید دانش استواری از کتب مهم، و نه دانشی سطحی از سایر کتب داشته باشد.
- ۱۵- ممارستی موفق و منظم در چهارده نکته‌ی بالا مرید را قادر می‌سازد تا آرامش ذهنی خود را حتی در بزرگ‌ترین آزمایشات مربوط به سود و زیان مادی حفظ کند.
- ۱۶- در مرتبه‌ی بالاتر، مرید از رنج و توهم متأثر نمی‌شود.
- ۱۷- او دیگران را به‌خاطر مذهب یا نوع پرستش تمسخر نمی‌کند و شخصیت خداوند و عابدانش را نیز مورد استهزاء قرار نمی‌دهد.
- ۱۸- او هرگز توهین به خداوند و عابدانش را تحمل نمی‌کند.

¹ banyan tree

۱۹- او نباید در گفتگوهایی که درباره‌ی رابطه‌ی بین زن و مرد صورت می‌گیرد، وارد شود و نیز نباید در مورد امور بیهوده‌ی خانوادگی دیگران دخالتی نماید.

۲۰- او نباید دردی را بر - بدن و یا بر ذهن - سایر موجودات زنده، هر کس که باشد، تحمیل کند.

از میان بیست نکته‌ی ذکر شده، سه مورد اول برای خواهان جدی، بی‌چون و چرا و اساسی هستند.

چهل و چهار نکته‌ی دیگر نیز وجود دارند که پیروی از آنها برای خواهان جدی ضروری است، اما خداوند چیتانیا از میان آنان پنج نکته را به عنوان مهم‌ترین برگزیده است. این نکات با توجه به شرایط زندگی شهری کنونی انتخاب شده و از این قرارند:

۱- شخص باید با عابدان معاشرت کند. معاشرت با عابدان با گوش دادن با دقت و توجه به سخنان آنان، پرسیدن سؤالات مناسب از آنها، تقدیم غذا به ایشان و پذیرش غذا از ایشان، اعطای خیرات به آنان و پذیرفتن متقابل آن، ممکن می‌شود.

۲- شخص باید نام مقدس خداوند را در تمام شرایط ذکر کند. ذکر نام خداوند روندی ساده و ارزان جهت دستیابی به ادراکات روحانی است. شخص می‌تواند هر یک از نام‌های بی‌شمار خداوند را در هر زمانی ذکر کند. شخص باید تلاش نماید تا از اهانت‌ها بپرهیزد. ده اهانت وجود دارد که شخص در حین ذکر نام‌های متعال ممکن است مرتکب شود که باید تا جای ممکن از ارتکاب آنان اجتناب نماید؛ اما به هر حال، شخص باید بکوشد تا نام مقدس خداوند را همواره ذکر کند.

۳- شخص باید موضوعات روحانی بیان شده در شریما-د- بهاگاواتام را بشنود. این شنیدن از طریق سخنرانی عابدان موثق و ترجمه‌های معتبر شریما-د- بهاگاواتام میسر می‌شود.

۴- شخص باید در ماتهورا^۱، محل تولد خداوند کریشنا زندگی کند، و یا خانه‌اش را با نصب تمثال خداوند و پرستش آن توسط تمام افراد خانواده پس از تشریف مناسب از پیر روحانی، همانند ماتهورا بسازد.

۵- شخص باید تمثال نصب‌شده‌ی خداوند را با توجه و عبودیت پرستش کند تا بدین ترتیب فضای خانه‌اش کاملاً همانند ملکوت خداوند شود. این کار با راهنمایی پیر روحانی که با هنر روحانی آشناست و می‌تواند راه درست را به شاگرد نشان دهد، ممکن می‌شود.

هرکسی در هر نقطه‌ای از جهان می‌تواند به پنج دستورالعمل فوق عمل کند. بدین‌سان هرکسی می‌تواند به کمک روش ساده‌ای که توسط مراجعی مانند خداوند شری چیتانیا ماهاپرابهو - که به طور خاص برای نجات ارواح فروافتاده در این عصر ظهور نمود - تأیید شده است، خود را برای بازگشت به خانه، نزد خداوند آماده سازد.

برای اطلاعات بیشتر درباره‌ی این موضوع، شخص باید کتبی چون بهاکتی - راسامریتا - سیندهو^۱ را که ما خلاصه‌ی انگلیسی آن را با نام شهد عبودیت^۲ ارائه کرده‌ایم، مطالعه نماید.

کل فرایند انتقال خود به آسمان روحانی شامل از بین بردن تدریجی ترکیب مادی پوشش‌های زمخت و لطیف روح است. پنج فعالیت عابدانه‌ی فوق‌الذکر از لحاظ روحانی آن‌چنان قوی هستند که انجام آنان توسط یک عابد حتی در مراحل ابتدایی می‌تواند سالک مخلص را تا سطح بهاوا^۳ (مرحله‌ی که دقیقاً پیش از عشق به خداوند قرار دارد) ارتقاء دهد، یا باعث بروز احساساتی در سطح روحانی شود که ورای عملکرد ذهنی و عقلانی است. جذبه‌ی کامل در بهاوا یا عشق به خدا، شخص را آماده‌ی انتقال به آسمان روحانی پس از ترک مرحله‌ی موقت مادی می‌سازد. کمال عشق به خدا یک عابد را حتی اگر هنوز بدن زمخت مادی داشته باشد، در سکوی روحانی قرار می‌دهد. او همانند آهنی گداخته می‌شود که در مجاورت با آتش، دیگر آهن نیست و مانند آتش عمل می‌کند. این موارد توسط انرژی نفوذناپذیر و غیرقابل درک خداوند که دانش مادی توان محاسبه‌ی آن را ندارد، ممکن می‌شوند. به همین جهت شخص باید با ایمان کامل مشغول خدمت

¹ Bhakti-rasāmṛta-sindhu

² The Nectar of Devotion

³ bhāva

عابدانه گردد و برای استحکام ایمانش باید جویای معاشرت شخصی (در صورت امکان) با عابدان ثابت‌قدم خداوند باشد و یا بر آنان مراقبه کند. چنین معاشرتی به شخص کمک خواهد کرد تا در خدمت عابدانه‌ی واقعی خداوند پیشرفت نماید و این خود سبب ناپدید شدن تمام توهمات مادی در یک لحظه می‌شود. مرید تمام این ادراکات روحانی مختلف را شخصاً احساس خواهد کرد و این در او اعتمادی راسخ ایجاد می‌نماید که در سلوک به سوی آسمان روحانی در حال پیشرفت است. آنگاه او مخلصانه جذب خداوند و ملکوتش می‌گردد. این روند تدریجی عشق در حال تکامل به خداوند، نخستین ضرورت زندگی انسانی است.

نمونه‌هایی از شخصیت‌های بزرگ تاریخی از جمله حکیمان و پادشاهان وجود دارند که با این روند به کمال رسیدند. بعضی از آنان حتی با پرداختن توأم با ایمان و پشتکار تنها به یکی از موارد خدمت عابدانه، به موفقیت رسیدند. بعضی از آنان در زیر فهرست شده‌اند:

۱- امپراتور پاریکشیت^۱ فقط با شنیدن از مرجعی مانند شری شوکادو گوسوامی^۲ به سکوی روحانی ارتقاء یافت.

۲- شری شوکادو گوسوامی نیز تنها با تکرار کلمه به کلمه‌ی پیام روحانی که از پدر بزرگوارش شری ویاسادو^۳ دریافت کرده بود، ارتقاء یافت.

۳- امپراتور پراهلاد^۴ موفقیت روحانی را با به‌یاد آوردن پیوسته‌ی خداوند، از طریق پیگیری دستورات قدیس و عابد بزرگ شری نارادامونی^۵، به‌دست آورد.

۴- لاکشمی^۶ خداوندگار خوشبختی تنها با نشستن و خدمت کردن به قدوم نیلوفرین خداوند، به موفقیت رسید.

۵- پادشاه پریتهو^۱ تنها با پرستش خداوند به موفقیت رسید.

¹ Parīkṣit

² Śrī Śukadeva Gosvāmī

³ Śrī Vyāsadeva

⁴ Prahāda

⁵ Śrī Nārada Muni

⁶ Lakṣmī

۶- آکرورای^۲ ارابه‌ران، تنها با دعا نمودن به درگاه خداوند به سعادت رسید.

۷- هانومان (ماهاویرا)^۳، عابد مشهور غیرانسان خداوند شری رامانچاندرا^۴، تنها با اجرای فرامین خداوند به کامیابی رسید.

۸- آرجونا^۵ جنگجوی بزرگ نیز تنها با بستن پیمان دوستی با خداوند به کمال رسید؛ خداوندی که پیام بهاگاود- گیتا را برای ارشاد آرجونا و پیروانش ابلاغ کرد.

۹- امپراتور بالی^۶ با تسلیم همه‌چیز، حتی بدن خویش به خداوند، به موفقیت رسید.

اینها نه روش خدمت عابدانه به خداوند هستند که مرید می‌تواند بنا به تمایل خود، یک، دو، سه، چهار و یا همه‌ی آنها را انتخاب کند. تمام خدماتی که به آن مطلق یگانه ارائه می‌شود، بدون هیچ‌یک از تفاوت‌های کمی و کیفی موجود در سکوی مادی، در خود مطلق هستند. اگرچه در سکوی روحانی تنوع وجود دارد، اما در آن مقام هر چیزی هم‌تراز دیگر چیزهاست. امپراتور آمباریش^۷ با پذیرش تمام نه روش فوق، به موفقیت کامل رسید. وی از ذهن خود برای تمرکز بر قدوم نیلوفرین خداوند، از صدایش برای توصیف جهان روحانی، از دستانش برای نظافت معبد خداوند، از گوش‌هایش برای شنیدن متواضعانه‌ی کلمات خداوند شری کریشنا، از چشمانش برای رؤیت تمثال خداوند، از بدنش برای لمس بدن عابدان، از بینی‌اش برای بویدن گل‌های تقدیم‌شده به خداوند، از زبانش برای چشیدن غذای تقدیم‌شده به خداوند، از پاهایش برای رفتن به معبد خداوند و از تمام انرژی حیاتی‌اش برای انجام خدمت عابدانه به خداوند بدون کمترین آرزویی برای ارضای حواس خود استفاده کرد. تمام این فعالیت‌ها به او کمک کرد تا به بالاترین درجه‌ی حیات برسد، به‌طوری‌که از همه پیشرفت‌های دانش مادی پیشی گرفت.

¹ Pṛthu

² Akrūra

³ Hanumān (Mahāvīra)

⁴ Sri Rāmacandra

⁵ Arjuna

⁶ Bali

⁷ Ambarīṣa

به همین جهت برای همه انسان‌ها مهم است این اصول خودشناسی روحانی را برای دستیابی به کمال در زندگی بپذیرند. تنها وظیفه‌ی هر انسانی، درک روحانی است. متأسفانه در تمدن مدرن، جامعه‌ی انسانی بسیار مشغول انجام وظایف ملی شده است. در حقیقت وظایف ملی، اجتماعی و نوع‌پرستی برای کسانی الزامی است که از وظایف روحانی بی‌نصیب‌اند. هر انسان به محض تولد بر روی سیاره‌ی زمین، نه تنها دارای وظایف الزامی ملی، اجتماعی و نوع‌پرستی است، بلکه تعهداتی نیز در برابر فرشتگان که تأمین‌کننده‌ی هوا، نور، آب و غیره هستند، می‌یابد. وی همچنین در برابر حکمای بزرگی که پیش از او می‌زیسته‌اند و گنجینه‌ی وسیعی از دانش را برای راهنمایی وی در زندگی عرضه نموده‌اند، و نیز در برابر تمام موجودات زنده، نیاکان، اعضای خانواده و از این قبیل تعهداتی دارد. اما هرگاه شخص خود را مشغول به تنها یک تعهد یعنی وظیفه‌ی رسیدن به کمال روحانی نماید، آنگاه به خودی خود تمام دیگر تعهدات را بدون تلاشی مجزا تسویه خواهد کرد.

یک عابد خدا هرگز عنصری مزاحم در جامعه نیست. برعکس، او یک سرمایه‌ی بزرگ اجتماعی است. چون یک عابد مخلص جذب اعمال گناه‌آلود نمی‌شود؛ به محض آن که فرد به یک عابد منزّه و پاک تبدیل شود، می‌تواند خدماتی گران‌بها و عاری از خودپرستی برای رفاه همگان در این زندگی و نیز در زندگی بعدی به جامعه ارائه دهد. اما حتی اگر چنین عابدی مرتکب اهانتی گردد، خود خداوند فوری آن را اصلاح می‌کند. از این رو یک عابد نیازی به فراگیری دانش مادی و یا رها کردن همه‌چیز و تارک دنیا شدن ندارد. او می‌تواند به سادگی در خانه‌اش بماند و همواره و در تمام مراحل زندگی به انجام خدمت عابدانه بپردازد. در تاریخ نمونه‌هایی از افراد بسیار بی‌رحمی وجود دارد که تنها با انجام خدمت عابدانه رثوف شدند. دانش و کفّ نفس از یک راه پست در زندگی، به‌طور خودکار و بدون نیاز به تلاشی خارق‌العاده در زندگی یک عابد پاک شکل می‌گیرد.

این هنر روحانی و دانش انجام خدمت عابدانه، بالاترین کمک حکمای هندی به بقیه‌ی افراد بشر است. به همین جهت، تمام افرادی که در هند متولد می‌شوند، وظیفه دارند زندگی خود را با پذیرش اصول این هنر و دانش عالی، و اشاعه‌ی آن در دیگر نقاط

جهان، که ساکنان آن‌جا از هدف نهایی حیات ناآگاهند، به کمال رساند. برای جامعه‌ی انسانی چنین مقدر شده است که با پیشرفت تدریجی در این دانش به درجه‌ی کمال برسد. حکیمان هندی در حال حاضر به این موقعیت دست یافته‌اند. چرا دیگران باید هزاران هزار سال منتظر بمانند تا به درجه‌ی تکامل آنان برسند؟ چرا هم‌اکنون این اطلاعات به شکلی سیستماتیک به آنان عرضه نشود تا در زمان و انرژی صرفه‌جویی شود؟ آنان باید از این زندگی که شاید میلیون‌ها سال برای رسیدن به آن رنج کشیده‌اند، بهره‌ی کامل ببرند.

یک داستان‌نویس روسی، اخیراً نظرات پیشنهادی خود را در این زمینه که تکامل علم می‌تواند به بشر برای دستیابی به زندگی جاودان کمک نماید، ارائه نموده است. البته او اعتقادی به یک وجود متعال خالق جهان ندارد. با این‌حال ما از نظریه‌اش استقبال می‌کنیم، زیرا می‌دانیم که پیشرفت واقعی در دانش علمی به طور قطع انسان را به آسمان روحانی خواهد برد و دانشمندان را از وجود خالق متعالی که توانمندی وی ورای ادراکات علمی مادی است، آگاه خواهد نمود.

همان‌گونه که اشاره شد، هر موجود زنده شکلی ابدی دارد، اما باید پوشش بیرونی زمخت و ظریف خود را تعویض کند و این روند تعویض را در اصطلاح زندگی و مرگ می‌نامند. مادامی که موجود زنده در بند اسارت مادی گرفتار است، هیچ راه‌گریزی از این روند متغیر وجود ندارد که حتی در درجات بالاتر حیات نیز ادامه دارد. داستان‌نویس روسی شاید همان‌گونه که تخیلی‌نویسان استعدادش را دارند پندارگرایی کند، اما افراد عاقل با مختصر آگاهی نسبت به قوانین طبیعی، نمی‌پذیرند که زندگی بشر در دنیای مادی می‌تواند ابدی باشد.

یک طبیعت‌شناس می‌تواند مسیر عملکرد طبیعت مادی را به‌سادگی با بررسی قطعه‌ای میوه مشاهده کند. یک میوه‌ی کوچک از شکوفه‌ی گل پرورش می‌یابد، رشد می‌کند، مدت زمانی بر شاخه می‌ماند، تا نهایت ممکن رشد می‌کند، می‌رسد، و سپس به تدریج تحلیل می‌رود تا بالاخره از درخت می‌افتد و شروع به فاسد شدن بر روی زمین می‌کند و در نهایت با خاک می‌آمیزد. دانه‌های باقی‌مانده‌ی آن نیز شروع به رشد می‌کنند تا یک

درخت شوند و میوه‌های زیادی تولید کنند، و آنها نیز همان سرنوشت را دنبال می‌کنند و این روند همچنان ادامه می‌یابد.

به‌طور مشابه، یک موجود زنده (به عنوان جرقه‌ی روحانی و بخشی از وجود خداوند متعال)، شکل اصلی خود را در بطن مادر و بلافاصله پس از آمیزش جنسی به‌دست می‌آورد. در شکم مادر کم‌کم رشد می‌کند و متولد می‌شود، آنگاه به رشد کردن ادامه می‌دهد، به کودک، نوجوان، جوان، میانسال و فردی سالخورده تبدیل می‌شود، و علی‌رغم همه آرزوهای خوب و امیدهای واهی داستان‌نویسان، در نهایت تحلیل می‌رود و با مرگ مواجه می‌گردد. در این مقایسه، هیچ تفاوتی میان انسان و میوه وجود ندارد. انسان شاید مانند بذرهای میوه از خود اولاد متعددی به جای گذارد، اما بنا بر قانون طبیعت مادی، نمی‌تواند برای همیشه در بدن مادی خود بماند.

چگونه کسی می‌تواند قانون طبیعت مادی را نادیده بگیرد؟ هیچ دانشمند مادی هر چقدر هم که پرمدا باشد، نمی‌تواند قوانین منسجم طبیعت را تغییر دهد. هیچ منجم یا دانشمندی نمی‌تواند مدار سیارات را تغییر دهد؛ او تنها می‌تواند بازپچه‌ای سیاره‌مانند و ناچیز بسازد که آن‌را ماهواره می‌نامد. شاید کودکان نادان تحت تأثیر آن قرار گیرند و مخترعان ماهواره‌های مدرن، فضاپیماها و غیره را تحسین کنند، اما دانایان جامعه‌ی انسانی، خالق ماهواره‌های عظیم مانند خورشید، ستاره‌ها و سیارات که دانشمند مادی نمی‌تواند پایانی بر آنها ببیند را تحسین می‌کنند. اگر ماهواره‌ی کوچک اسباب‌بازی، خالقی در روسیه یا آمریکا دارد، منطقی است که ماهواره‌های عظیم طبیعی، در آسمان روحانی خالقی داشته باشند. اگر برای ساختن و در مدار قراردادن یک ماهواره‌ی اسباب‌بازی نیاز به دانشمندان هوشمند زیادی باشد، پس چه هوش کامل و ظریفی کهکشانی‌های پرستاره را خلق کرده است و آنها را بر روی مدارشان نگاه می‌دارد؟ جامعه‌ی انکارکنندگان خدا تاکنون نتوانسته است به این سؤال پاسخ دهد.

بی ایمانان به پیشبرد نظریه‌های خود درباره‌ی خلقت ادامه می‌دهند که اغلب با جملاتی نظیر "درک آن بسیار مشکل است"، "در تصور ما نمی‌گنجد، اما این امکان وجود دارد"، "غیرقابل درک است" و غیره، به نتیجه‌گیری می‌پردازند. این تنها بدین معنی است که

اطلاعات آنان مرجعیتی ندارد و با داده‌های علمی پشتیبانی نمی‌شود. آنان تنها پندارگرایی می‌کنند. اما به هر حال، اطلاعات موثق در این زمینه در بهاگاواد- گیتا موجود است. برای مثال بهاگاواد- گیتا به ما می‌گوید در جهان مادی موجوداتی زندگی می‌کنند که طول عمرشان برابر با $100 \times 12 \times 30 \times 2 \times 100 \times 4300000$ سال خورشیدی است. ما بهاگاواد- گیتا را به‌عنوان مرجع می‌پذیریم، زیرا این کتاب از سوی حکیمان بزرگ هند مانند شانکارآچاریا^۱، شری رامانوجآچاریا^۲، شری مادهاواآچاریا^۳ و شری چیتانیا چیتانیا ماهاپرابهو^۴ پذیرفته شده است. بهاگاواد- گیتا اشاره بر این دارد که در جهان مادی تمام عناصر ترکیبی علی‌رغم طول عمرشان در معرض تباهی و مرگ هستند.

بدین ترتیب، تمام اشکال مادی تحت سلطه‌ی قانون تغییر هستند، اگرچه انرژی مادی به‌طور بالقوه باقی می‌ماند. همه‌چیز به‌طور بالقوه ابدی است، اما در جهان مادی، ماده شکل می‌گیرد، برای مدتی باقی می‌ماند، به بلوغ می‌رسد، پیر می‌شود، اضمحلال می‌یابد و در نهایت دوباره ناپدید می‌شود. این مورد برای تمام چیزهای مادی اتفاق می‌افتد. این نظریه‌ی مادی‌گرایان که ورای آسمان مادی، "شکل دیگری" وجود دارد که ورای محدوده‌ی رؤیت قرار دارد و غریب و غیرقابل درک است، چیزی جز اشاره‌ای ضعیف به آسمان روحانی نیست. به هر حال عامل اساسی روح به دلیل عملکرد آن در تمام موجودات زنده، بسیار آشکار است. هرگاه این عامل روحانی از بدن مادی خارج گردد، دیگر بدن مادی حیات نخواهد داشت. برای مثال در بدن یک کودک عامل روحانی حضور دارد و به همین جهت در بدن تغییراتی رخ می‌دهد و رشد می‌کند. اما اگر روح بدن را ترک کند، رشد متوقف می‌شود. این قانون به هر شیء مادی قابل تعمیم است. هرگاه ماده در ارتباط با روح قرار گیرد، از شکلی به شکل دیگر تبدیل می‌شود. بدون روح هیچ تبدیلی صورت نمی‌گیرد. کل کیهان بدین‌گونه تکامل می‌یابد؛ یعنی از انرژی متعال

¹ Śankarācārya

² Śrī Rāmānujācārya

³ Śrī Madhvācārya

⁴ Śrī Caitanya Mahāprabhu

به واسطه‌ی نیروی روحانی خداوند متجلی می‌گردد و به اشکال عظیمی از قبیل خورشید، ماه، زمین و غیره ظهور می‌یابد. چهارده دسته سیستم سیاره‌ای وجود دارد که اگرچه ابعاد و کیفیات متفاوتی دارند، اما اصل تکامل یکسانی بر آنان حاکم است. نیروی روحانی آفریننده است و تنها توسط این عامل روحانی است که تبدیل، تغییر و تکامل صورت می‌گیرد.

به طور یقین حیات، آن‌گونه که بسیاری از انسان‌های نادان ادعا می‌کنند، مانند یک ترکیب شیمیایی از طریق واکنش‌های مادی پدید نمی‌آید. فعل و انفعالات مادی توسط موجودی برتر جریان می‌یابد که شرایط مناسب را برای منزل یافتن نیروی حیاتی روحانی می‌آفریند. انرژی برتر، ماده را به‌گونه‌ای مناسب - بر اساس خواسته‌ی آزادانه موجود روحانی - شکل می‌دهد. برای مثال، مواد ساختمانی به‌طور خودکار "واکنش" نشان نمی‌دهند و به‌طور ناگهانی شکل یک منزل مسکونی را به خود نمی‌گیرند. موجودات زنده‌ی روحانی به‌طور مقتضی با میل خود بر ماده تأثیر می‌گذارند و خانه‌ی خود را می‌سازند. به‌طور مشابه، ماده فقط جزء تشکیل‌دهنده‌ی اولیه، و خالق، روح است. تنها شخصی با دانش کم چنین نتیجه‌گیری را رد می‌کند. خالق ممکن است در پس‌زمینه نادیده بماند، اما این بدان معنا نیست که خالق وجود ندارد. شخص نباید به سادگی با شکل عظیم کیهان دچار توهم گردد، بلکه باید نحوه‌ی تشخیص وجود آگاهی متعال را در پس تمام این تجلیات مادی بیاموزد. وجود متعال که آگاهی متعال نیز است، خالق غایی و جذاب کل، شخصیت خداوند شری کریشنا^۱ است. اگرچه ممکن است شخص نسبت به این موضوع آگاه نباشد، اما اطلاعات دقیقی از خالق در متون ودایی مانند بهاگاواد-گیتا و به‌ویژه شریماد-بهاگواتام وجود دارد.

هرگاه ماهواره‌ای به فضا پرتاب می‌گردد، ممکن است یک کودک وجود افکار دانشمندان موجود در پس این پدیده را درک نکند، اما یک شخص بالغ باهوش می‌فهمد که مغزهای علمی بر روی زمین آن ماهواره را کنترل می‌کنند. به‌طور مشابه، افراد کم‌خرد

^۱ Śrī Kṛṣṇa

اطلاعاتی از خالق و سکونت‌گاه ابدی‌اش، که بسیار دور از میدان دید ماست، ندارند؛ اما در واقع، آسمانی روحانی و سیارات روحانی درون آن وجود دارند که بسیار بیشتر و وسیع‌تر از سیارات موجود در آسمان مادی هستند. از بهاگاواد- گیتا درمی‌یابیم که کیهان مادی تنها بخشی (یک‌چهارم) از جهان خلقت است. چنین اطلاعاتی به تفصیل در شریماد- بهاگاواتام و سایر ادبیات ودایی وجود دارد.

اگر انرژی حیاتی را می‌توان با "فعل و انفعال ترکیبات فیزیکی و شیمیایی معین" در آزمایشگاه ایجاد کرد، پس چرا دانشمندان پرمدها، حیات را تولید نکرده‌اند؟ آنان باید دقیقاً درک کنند که نیروی روحانی از ماده جداست و امکان تولید این انرژی با هر میزان تنظیم مادی، وجود ندارد. در حال حاضر روس‌ها و آمریکایی‌ها بدون شک در حوزه‌های بسیاری از دانش فناوری پیشرفته‌اند، اما هنوز در رابطه با دانش روحانی ناآگاه هستند. آنان برای ساختن جامعه‌ی انسانی پیشرفته و کامل، باید از هوشی برتر آموزش بگیرند. روس‌ها نمی‌دانند که در شریماد- بهاگاواتام، فلسفه‌ی سوسیالیستی به کامل‌ترین وجه ممکن تشریح شده است. بهاگاواتام آموزش می‌دهد که همه‌ی ثروت موجود - تمام منابع طبیعی (کشاورزی، معادن و غیره) - توسط خالق غایی ایجاد شده است و به‌همین جهت، هر موجود زنده‌ای حق استفاده از آنها را دارد. در ادامه بیان شده است که شخص باید تنها آن مقدار ثروتی را در اختیار داشته باشد که برای نگهداری بدنش ضروری است و اگر بیشتر از آن بخواهد یا بیشتر از آنچه که سهم اوست برداشت کند، در معرض مجازات قرار می‌گیرد. همچنین گفته شده است که با حیوانات باید مانند کودکان خود رفتار کرد.

ما بر این عقیده‌ایم که هیچ ملتی بر روی زمین نمی‌تواند سوسیالیسم را آن‌گونه که در شریماد- بهاگاواتام بیان شده، توصیف کند. زمانی می‌توان با موجودات زنده‌ی غیرانسان مانند برادر و فرزندان رفتار کرد که شخص دیدگاه کاملی از خالق و موقعیت واقعی موجود زنده داشته باشد.

آرزوی فناپذیری بشر تنها در جهان روحانی تحقق می‌یابد. همان‌طور که در ابتدای این مقاله گفته شد، آرزوی زندگی ابدی نشانه‌ای از زندگی روحانی نهفته در ماست. هدف

تمدن انسانی باید به آن سمت نشانه‌روی شود. همان‌طور که در این‌جا شرح داده شد، با در پیش گرفتن روند بهاکتی - یوگا، برای هر انسانی امکان ارتقاء به قلمرو روحانی وجود دارد. این علم بزرگی است و هند متون علمی فراوانی تولید کرده است که به کمک آن می‌توان کمال حیات را درک نمود.

بهاکتی - یوگا مذهب ابدی انسان است. در زمانی که دانش مادی بر همه چیز - از جمله اصول مسلم مذهب - نفوذ کرده، باعث خوشحالی است که اصول مذهب ابدی انسان از دیدگاه دانشمندان امروزی مطرح می‌گردد.

حتی دکتر اس. رادهاکریشن^۱ نیز در یک کنفرانس جهانی مذهب اذعان نمود که اگر مذهب از دیدگاه علمی پذیرفته نگردد، در تمدن مدرن پذیرفته نخواهد شد. در پاسخ، برای عاشقان حقیقت با مسرت اعلام می‌کنیم که بهاکتی - یوگا مذهب ابدی جهان است و برای تمام موجودات زنده که به طور ابدی در ارتباط با خداوند متعال هستند، طراحی شده است.

شریاد رامانوجاچاریا، کلمه‌ی ساناناتا^۲ یا "ابدی" را به عنوان آنچه که نه آغاز دارد و نه پایان، تعریف می‌کند. هرگاه از ساناناتا - دارما^۳ یا مذهب ابدی سخن می‌گوییم، بر این تعریف استناد می‌کنیم. چیزی که نه آغاز دارد و نه پایان، و متفاوت با هرگونه فرقه‌ایست که محدودیت و چهارچوب دارد. با پیشرفت علم مدرن برای ما ممکن می‌گردد تا ساناناتا - دارما را به عنوان اشتغال اصلی تمام مردم دنیا - بلکه تمام موجودات زنده‌ی کیهان - ببینیم. اعتقادات مذهبی غیر از ساناناتا ممکن است آغازی در تاریخ بشر داشته باشند، اما هیچ مبدأ تاریخی برای ساناناتا - دارما وجود ندارد، زیرا به‌طور ابدی با موجودات زنده باقی می‌ماند.

هرگاه شخصی ادعا کند که به یک دین خاص - هندو، اسلام، مسیحیت، بودیست یا هر فرقه‌ی دیگر - تعلق دارد، و نیز هرگاه به زمان و چگونگی تولد خود اشاره نماید، چنین عنوان‌هایی غیر ساناناتا - دارما نامیده می‌شوند. یک هندو ممکن است مسلمان شود و یا

¹ Dr. S. Radhakrishnan

² sanātana

³ sanātana-dharma

یک مسلمان ممکن است هندو یا مسیحی و غیره شود اما در هر حالتی یک چیز ثابت است. در هر شرایطی او به سایرین خدمت می‌کند. یک هندو، مسلمان، بودایی یا مسیحی در تمام شرایط خادم کسی است. گرایش به یک نوع اعتقاد خاص، ساناتانا-دارما نیست. ساناتانا-دارما همراه دائمی موجود زنده، و اتحادبخش مذاهب است. ساناتانا-دارما به معنی انجام خدمت است.

در بهاگاواد-گیتا منابع متعددی از ساناتانا آمده است. بیاید درباره اهمیت ساناتانا-دارما از این مرجع بیاموزیم.

در دهمین آیه‌ی فصل هفتم به کلمه‌ی ساناتانام اشاره شده است که در آن خداوند می‌فرماید او سرچشمه‌ی ابدی همه‌چیز، و بنابراین ساناتانام است. سرچشمه‌ی همه‌چیز در اوپانیشادها به‌عنوان کل کامل توصیف شده است. کل تجلیات سرچشمه و اصل نیز در خود کاملند، و با اینکه واحدهای کاملی از سرچشمه‌ی کامل ساناتانا تجلی یافته‌اند، اما آن ساناتانای اصلی در کیفیت یا کمیت نقصان نمی‌یابد.^۱ این به‌دلیل تغییرناپذیری طبیعت ساناتانا است. هرچیزی که تحت تأثیر زمان و شرایط تغییر کند، ساناتانا نیست. این‌رو، هر آنچه که در شکل و کیفیت تغییر کند را نمی‌توان به‌عنوان ساناتانا پذیرفت. به‌عنوان یک مثال مادی برای فهم بهتر، خورشید انوارش را برای صدها و میلیون‌ها سال منتشر کرده است و با این‌که یک مخلوق مادی است، هنوز شکل و انوارش تغییر نکرده‌اند. به همین جهت آن‌چه که هرگز خلق نشده است حتی اگر منبع تغذیه‌ی همه چیز باشد، شکل و کیفیتش نمی‌تواند تغییر کند.

خداوند بیان می‌نماید که پدر تمام گونه‌های حیات است. او ادعا می‌کند که تمام موجودات زنده - صرف‌نظر از ماهیت خود - اجزای جدانشدنی وی هستند و در نتیجه بهاگاواد-گیتا برای همه‌ی آنان گفته شده است. در گیتا اطلاعاتی درباره‌ی طبیعت ساناتانای خداوند متعال ارائه شده است. همچنین اطلاعاتی راجع به ملکوت وی که ورای آسمان مادی قرار دارد، و نیز طبیعت ساناتانای موجودات زنده، بیان شده است.

^۱ نگاه کنید به: شری ایشوپانیشاد، نیایش

همچنین خداوند کریشنا در بهاگاواد- گیتا ما را مطلع می‌سازد که جهان مادی مملو از رنج در قالب تولد، پیری، بیماری و مرگ است. حتی در برهمالوکا^۱، بالاترین سیاره‌ی کیهان مادی، این رنج‌ها وجود دارند. فقط در سکونت‌گاه خود اوست که هیچ رنجی وجود ندارد. در آن سکونت‌گاه نیازی به نور خورشید، ماه یا آتش نیست. خود سیارات نورانی هستند. حیات در آن جا ابدی و پر از دانش و شمع است. این ساناتانا- دارما است. از این رو طبیعی است که نتیجه بگیریم موجودات زنده باید به خانه، نزد خداوند بازگردند تا از حیات در ساناتانا- دارما با ساناتانا-پوروشا^۲ یا پوروشتاما^۳ یعنی خداوند کریشنا، لذت ببرند. آنان نباید در این وادی محنت‌بار موجودیت مادی باقی بمانند و پیوسند. در جهان مادی - حتی در برهمالوکا - هیچ خوشنودی وجود ندارد، و بنابراین فعالیت‌ها و طرح‌هایی در راستای ارتقاء به سیارات بالاتر در کیهان مادی از سوی کسانی صورت می‌گیرد که خرد کمتری دارند. همچنین افراد کم‌خردتر به خداوندگاران^۴ پناه می‌برند و تنها از مزایایی سود می‌جویند که برای زمان محدودی دوام دارند و به همین جهت، اصول مذهبی و منافی که کسب می‌نمایند نیز موقتی هستند. با این وجود، انسان هوشمند تمام اموری که به نام مذهب انجام می‌گیرد را رها می‌نماید و به شخصیت متعال خداوند پناه می‌آورد و بدین‌سان مورد حفاظت کامل پدر مطلق واقع می‌شود. به همین جهت ساناتانا- دارما روند بهاکتی- یوگاست که با آن شخص می‌تواند خداوند ساناتانا و سکونت‌گاه ساناتانای وی را درک کند. تنها با این روند است که شخص می‌تواند به کیهان روحانی ساناتانا- دارما بازگردد و در شادی ساناتانای متداول در آن جا شرکت جوید.

بنابراین پیروان ساناتانا- دارما باید اصولی را که در بهاگاواد- گیتا بیان شده است، رعایت نمایند. هیچ استثنایی در پذیرش اصول ابدی برای هیچ‌کس وجود ندارد. حتی افرادی که آگاهی کمتری دارند هم می‌توانند به سوی خداوند بازگردند. این موضوع در شریما-

¹ Brahmāloka

² sanātana-puruṣa

³ puruṣottama

⁴ demigods

بهاگواتام و توسط شخص خداوند متعال در بهاگاواد- گیتا آموزش داده می‌شود. باید به انسان این شانس داده شود تا از این امکان استفاده نماید. از آن جایی که بهاگاواد- گیتا در منطقه‌ی بهاراتا-وارشا^۱ گفته شده است، هر هندی مسئولیت دارد پیام ساناناتانا- دارمای حقیقی را در سایر نقاط دنیا اشاعه دهد. مخصوصاً در عصر حاضر که انسان‌های گمراه‌شده در تاریکی مادی‌گرایی در عذاب‌اند و به اصطلاح دانششان، آنها را قادر به کشف بمب اتم ساخته است. در نتیجه آنان در شرف نابودی هستند. با این حال، ساناناتانا- دارما هدف واقعی حیات را به آنان آموزش می‌دهد و اگر آنان این آموزش را ترویج نمایند، از عواید آن سود خواهند برد.

¹ Bhārata-varṣa

فصل دوم

انواع سیستم‌های سیاره‌ای

امروزه که بشر در تلاش برای رفتن به ماه است، مردم نباید بیاندیشند که کریشناآگاهی مربوط به موضوعی قدیمی است. وقتی دنیا در حال پیشرفت برای دستیابی به سیاره‌ی ماه است، ما هاره کریشنا^۱ ذکر می‌کنیم. اما مردم نباید چنین سوء تعبیر یا فرض کنند که ما از پیشرفت مدرن علمی عقب می‌افتیم. ما پیش از این، تمام پیشرفت‌های علمی را حاصل نموده‌ایم. در بهاگاواد- گیتا گفته شده که تلاش بشر برای دستیابی به سیارات فوقانی موضوع جدیدی نیست. تیترو روزنامه‌ها می‌گویند: "نخستین گام‌های بشر بر روی سیاره‌ی ماه"، اما گزارشگران نمی‌دانند که پیش از این، میلیون‌ها نفر به سیاره‌ی ماه رفته و بازگشته‌اند. این نه نخستین بار، بلکه اقدامی دیرینه است. این موضوع به وضوح در بهاگاواد- گیتا (۱۶/۸) نقل شده است، "آبراهما- بهووانال لوکا پونار آوارتینو آرجونا"^۲: "آرجونای عزیزم، حتی اگر تو به بالاترین سیستم در میان سیارات فوقانی بروی که برهمالوکا نامیده می‌شود، باز هم مجبور به بازگشت خواهی شد." بنابراین سفرهای بین سیاره‌ای مسئله‌ی تازه‌ای نیست و برای عابدان کریشناآگاهی شناخته شده است. از آن جا که ما کریشناآگاه هستیم، آنچه کریشنا می‌گوید را به عنوان حقیقت مطلق می‌پذیریم. بر اساس متون ودایی، سیستم‌های سیاره‌ای بسیاری وجود دارد. سیستم سیاره‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم، بهورلوکا^۳ نامیده می‌شود. در بالای این سیستم

¹ Hare Kṛṣṇa

² abrahma-bhuvanāl lokāḥ punar āvartino 'rjuna

³ Bhūrloka

سیاره‌ای، به‌هوارلوکا^۱، و بالاتر از آن سوارلوکا^۲ واقع شده است (که سیاره‌ی ماه به این سیستم سیاره‌ای تعلق دارد). بالای سوارلوکا، ماهارلوکا^۳، بر فراز آن جانالوکا^۴ و بالاتر از آن، ساتیالوکا^۵ قرار دارد. به طور مشابه سیارات پست‌تر هم وجود دارند. بدین ترتیب چهارده سیستم سیاره‌ای درون این دنیا وجود دارد و خورشید، سیاره‌ی اصلی است. خورشید در برهما - سامهیتا^۶ (۵۲/۵) به شرح زیر توصیف شده است:

*yac-cakṣur eṣa savitā sakala-grahānām
rājā samasta-sura-mūrtir aṣeṣa-tejāḥ
yasyājñayā bhramati sambhṛta-kāla-cakro
govindam ādi-puruṣam tam aham bhajāmi*

"من گویندا را می‌پرستم، خداوند آغازین را؛ کسی که خورشید قدرت و گرمای بسیارش را از او گرفته است و بر روی مدار خود می‌چرخد. خورشید که سیاره‌ی اصلی در میان تمام سیستم‌های سیاره‌ای است، چشم خداوند متعال می‌باشد." در واقع ما بدون خورشید قادر به دیدن نیستیم. شاید به چشمان خود بسیار مغرور باشیم، اما حتی نمی‌توانیم همسایه‌ی دیوار به دیوارمان را ببینیم. مردم می‌پرسند: "آیا می‌توانید خداوند را به من نشان دهید؟" اما آنها چه می‌توانند ببینند؟ ارزش چشمان آنها چقدر است؟ خداوند ارزان قیمت نیست. بدون نور خورشید نمی‌توانیم هیچ چیزی را ببینیم، چه برسد به دیدن خداوند. بدون نور خورشید، ما کور هستیم. در شب نمی‌توانیم چیزی ببینیم و از آن جایی که خورشید در آسمان حاضر نیست، از الکتروسیته استفاده می‌کنیم. در تجلیات کیهانی تنها یک خورشید وجود ندارد؛ بلکه میلیون‌ها و تریلیون‌ها خورشید وجود دارد. این موضوع در برهما - سامهیتا (۴۰/۵) نیز چنین آمده است:

¹ Bhuvārloka

² Svarloka

³ Maharloka

⁴ Janaloka

⁵ Satyaloka

⁶ Brahma-saṁhitā

*yasya prabhā prabhavato jagad-āṇḍa-koṭi-
koṭiṣv aśeṣa-vasudhādi-vibhūti-bhinnam
tad brahma niṣkalam anantam aśeṣa-bhūtam
govindam ādi-puruṣam tam aham bhajāmi*

درخشش روحانی بدنی شخصیت متعال خداوند کریشنا، برهما- جیوتی^۱ نامیده می‌شود و در برهما- جیوتی سیارات بی‌شماری وجود دارد. همان‌طور که در نور خورشید سیارات غیرقابل شمارشی وجود دارند، در تابش درخشان بدن کریشنا نیز تعداد بی‌شماری سیارات و جهان‌های گوناگون وجود دارند. ما از جهان‌های بسیاری اطلاع داریم، و در هر جهانی، یک خورشید وجود دارد. بنابراین میلیون‌ها و بیلیون‌ها جهان و خورشید و ماه و سیاره وجود دارد. اما کریشنا می‌گوید اگر کسی برای رفتن به این سیارات تلاش نماید، فقط وقت خود را هدر داده است.

اکنون شخصی به سیاره‌ی ماه قدم گذاشته است؛ اما از این کار چه فایده‌ای عاید جامعه‌ی بشری خواهد شد؟ اگر پس از صرف پول و انرژی بسیار زیاد و ده سال سعی و تلاش، کسی به سیاره‌ی ماه برود و فقط آن‌را لمس کند، فایده‌ی آن چیست؟ آیا شخص می‌تواند آن‌جا بماند و به دوستانش خبر بدهد که به او پیوندند؟ و حتی اگر شخص به آن‌جا رفت و ماند، فایده‌ی آن چه خواهد بود؟ مادامی‌که ما در دنیای مادی زندگی می‌کنیم، چه در این سیاره یا در سیارات دیگر، انواع رنج‌ها - تولد، مرگ، پیری و بیماری - با ما همراه خواهد بود و نمی‌توانیم خود را از آنها خلاص کنیم.

اگر ما برای زندگی به ماه برویم - با ممکن فرض نمودن این کار - حتی با در دست داشتن یک ماسک اکسیژن، چه مدت زمانی می‌توانیم آن‌جا بمانیم؟ به علاوه حتی اگر ما فرصت ماندن در آن‌جا را نیز داشته باشیم، چه به‌دست می‌آوریم؟ شاید عمری کمی طولانی‌تر به‌دست آوریم، اما نمی‌توانیم تا ابد در آن‌جا زندگی کنیم. این کار غیرممکن است. و ما با زندگی طولانی‌تر چه به‌دست می‌آوریم؟ "تاراوا کیم نا جیوانتی (ش.ب).

¹ brahmajyoti

۱۸/۳/۲): "آیا درختان سالیان سال زندگی نمی‌کنند؟" در نزدیکی سان‌فرانسیسکو، من درختی را در جنگل دیده‌ام که هفت هزار ساله است. اما منفعت عمر طولانی چیست؟ اگر کسی به ماندن در مکانی برای هفت هزار سال افتخار کند، در واقع امتیاز بسیار مهمی به دست نیاورده است.

اینکه چگونه کسی به ماه می‌رود و باز می‌گردد و غیره، داستان فوق‌العاده‌ای است که تمام آن در متون ودایی توصیف شده است. این، روند بسیار جدیدی نیست. اما هدف انجمن کریشناگاهی ما متفاوت است. ما قصد هدر دادن زمان بارزش خود را نداریم. کریشنا می‌فرماید: "وقت خود را با تلاش برای رفتن به این سیاره یا آن سیاره هدر نده. چه به دست خواهی آورد؟ بدبختی‌های مادی تو، هر جا که بروی تو را دنبال خواهند کرد." از این رو در چیتانیا-چاریتامریتا^۲ (آدی لیل، ۹۷/۳) این مطلب به زیبایی توسط نویسنده بیان شده است:

*keha pāpe, keha puṇye kare viṣaya-bhoga
bhakti-gandha nāhi, yāte yāya bhava-roga*

"در این دنیای مادی یک نفر در حال لذت بردن است و دیگری نیست؛ اما در واقع همه در حال رنج کشیدن هستند. اگرچه برخی مردم می‌اندیشند که لذت می‌برند، در همان حال دیگران پی می‌برند که آنها در حال رنج کشیدن هستند." در واقع همه در حال رنج کشیدن هستند. چه کسی در این دنیای مادی از بیماری رنج نمی‌برد؟ چه کسی از پیری رنج نمی‌برد؟ چه کسی نمی‌میرد؟ هیچ‌کس نمی‌خواهد پیر شود و یا از بیماری رنج ببرد، اما چنین برای همه پیش می‌آید. پس خوشی کجاست؟ این خوشی کاملاً پوچ و بی‌معنی است، زیرا در این دنیای مادی هیچ خوشی و لذتی وجود ندارد. این تنها تصور ماست. شخص نباید بیاندیشد که "این خوشی و این رنج است." همه‌ی چیزها در حقیقت رنج هستند! از این رو در چیتانیا-چاریتامریتا چنین آمده است: "اصول خوردن، خوابیدن، تولید مثل و دفاع کردن همیشه اما در استانداردهای متفاوتی وجود خواهند داشت." برای مثال،

¹ Taravaḥ kiṁ na jīvanti

² Caitanya-caritāmṛta

آمریکایی‌ها در نتیجه‌ی اعمال پرهیزکارانه در زندگی پیشین خود، در آمریکا بدن گرفته و به دنیا آمده‌اند. در هندوستان مردم بینوا و فقیر هستند و رنج می‌کشند، اما اگرچه آمریکایی‌ها در حال خوردن نان‌های کره‌ای بسیار لذیذ و هندی‌ها در حال خوردن نان بدون کره هستند، با این وجود هر دو گروه در حال خوردن هستند. حقیقتِ بینوایی مردم در هندوستان باعث نشده است کل جمعیت به‌خاطر نیاز به غذا بمیرند. چهار نیاز اساسی بدن - خوردن، خوابیدن، تولید مثل و دفاع کردن - می‌تواند تحت هر شرایطی مرتفع گردد، خواه شخص در شرایط ناپرهیزکارانه به دنیا آمده باشد و یا پرهیزکارانه. اما به هر حال، مشکل واقعی چگونگی آزاد شدن از چهار اصل تولد، مرگ، پیری و بیماری است.

مشکل واقعی این نیست که "من چه باید بخورم؟" پرندگان و چهارپایان چنین مشکلی ندارند. هر صبح‌گاه آنها بی‌وقفه در حال جیک‌جیک کردن هستند، "جیک، جیک، جیک، جیک." آنها می‌دانند که غذایشان را خواهند یافت. کسی نمی‌میرد و مسئله‌ای به‌عنوان اضافه جمعیت وجود ندارد، زیرا روزی همگان با تدبیر خداوند مهیا می‌شود. تفاوت‌های کیفی در این راه وجود دارند، اما به دست آوردن کیفیت برتری از لذات مادی، پایان زندگی نیست. مشکل اصلی نحوه‌ی رهایی از تولد، مرگ، پیری و بیماری است. این مشکل با هدر دادن وقت خود برای سفر در درون این کیهان، حل نمی‌شود. حتی اگر شخص به بالاترین سیاره برود، این مشکل حل نخواهد شد؛ زیرا مرگ در همه‌جا وجود دارد.

بر اساس اطلاعات و دایمی مدت زمان زندگی در ماه ده هزار سال، و یک روز آن برابر با شش ماه زمین است. بنابراین ده هزار ضرب در صد و هشتاد سال، مدت زمان زندگی در سیاره‌ی ماه خواهد بود. به هر حال، رفتن به ماه و زندگی طولانی‌مدت در آن‌جا، برای انسان‌های زمینی غیرممکن است. در غیر این صورت تمامی ادبیات و دایمی، اشتباه خواهد بود. ما می‌توانیم برای رفتن به آن‌جا تلاش کنیم، اما زیستن در آن‌جا غیرممکن است. این دانش در وداها وجود دارد. از این‌رو ما خیلی مشتاق رفتن به این سیاره یا آن سیاره نیستیم. ما مشتاق عزیمت مستقیم به سیاره‌ای هستیم که کیشنا در آن‌جا زندگی می‌کند. کیشنا در بهاگاواد - گیتا (۲۵/۹) چنین می‌فرماید:

*yānti deva-vratā devān
pitṛn yānti pitṛ-vratāḥ
bhūtāni yānti bhūtejyā
yānti mad-yājino 'pi mām*

"شخص می‌تواند به سیاره‌ی ماه یا حتی به خورشید یا به میلیون‌ها و تریلیون‌ها سیاره‌ی دیگر برود، و یا حتی اگر به لحاظ مادی بسیار دلبسته باشد، می‌تواند در همین‌جا بماند؛ اما آنها که عابدان من هستند، به سوی من می‌آیند." این هدف ماست. تشریف به کریشناآگاهی ضمانت می‌کند که شاگرد می‌تواند سرانجام به سیاره‌ی متعال، کریشنالوکا^۱ برود. ما بیکار ننشسته‌ایم؛ در عین حال که برای سفر به سیارات دیگر تلاش نمی‌کنیم، اما وقتمان را نیز هدر نمی‌دهیم.

شخص هوشمند و عاقل آرزوی ورود به سیارات مادی را ندارد، زیرا چهار وضعیت بدبختی‌های مادی در همه‌ی آنها وجود خواهد داشت. می‌توان از بهاگاواد-گیتا دریافت که حتی اگر وارد برهمالوکا شویم که بالاترین سیستم سیاره‌ای در این دنیاست، چهار اصل بدبختی موجود خواهند بود. ما از بهاگاواد-گیتا می‌آموزیم که طول یک روز در برهمالوکا با میلیون‌ها روز در محاسبات ما برابری می‌کند. این یک واقعیت است.

حتی بالاترین سیستم سیاره‌ای یعنی برهمالوکا نیز قابل دسترسی است، اما طبق گفته‌ی دانشمندان، این کار با سرعت قمر مصنوعی اسپاتنیک چهل هزار سال طول خواهد کشید. چه کسی آماده‌ی سفر چهل هزار ساله در فضاست؟ از ادبیات ودایی می‌توان دریافت که ورود به هر سیاره‌ای مشروط به آنکه برای آن منظور آماده شویم، امکان‌پذیر است. اگر شخص خود را برای ورود به سیستم‌های سیاره‌ای بالاتر که گفته شده سکونت‌گاه خداوندگاران هستند، آماده سازد، می‌تواند به آن‌جا برود. به‌طور مشابه شخص می‌تواند به سیستم سیاره‌ای پائین‌تر نیز برود، و یا اگر آرزو دارد، در این سیاره بماند. سرانجام اگر شخص خواسته‌ی رفتن به سیاره‌ی شخصیت‌اعلائی خداوند را داشته باشد، می‌تواند به آن وارد شود. کل مسئله فقط آماده‌سازی شخصی است. با این‌حال، تمامی

¹ Kṛṣṇaloka

سیستم‌های سیاره‌ای درون دنیای مادی ما موقتی هستند. مدت زمان زندگی در سیارات مادی معین ممکن است بسیار طولانی باشد، اما تمامی موجودات زنده در دنیای مادی به تدریج در معرض نابودی هستند و مجبور به کسب بدن‌های دیگری خواهند بود. بدن‌های متفاوتی وجود دارد. بدن انسانی صد سال عمر می‌کند، درحالی‌که بدن یک حشره ممکن است تنها دوازده ساعت عمر کند. بنابراین مدت زمان این بدن‌های متفاوت، نسبی است. اگر شخص وارد سیاره‌ی روحانی وایکوتتهالوکا^۱ شود، به زندگی جاودانی، سرشار از شرف و دانش دست می‌یابد. انسان با تلاش خود می‌تواند به آن کمال دست یابد. این موضوع در بهاگاواد- گیتا بیان شده است؛ جایی که خداوند می‌فرماید: "هرکس که حقیقت را راجع به شخصیت متعال خداوند درک نماید، می‌تواند به ذات من دست یابد." بسیاری از مردم اظهار می‌دارند "خداوند بزرگ است"، اما این یک عبارت کلی است. شخص باید بداند خداوند چگونه بزرگ است و این موضوع از متون موثق دریافت می‌شود. خداوند در بهاگاواد- گیتا خود را چنین توصیف می‌نماید: "ظهور من در بدن یک انسان معمولی، در واقع متعال است." خداوند بسیار بامحبت است که به عنوان یک شخص عادی در میان ما ظاهر می‌شود؛ اما پیکر وی، دقیقاً مانند بدن یک انسان نیست. اشخاص پستی که وی را نمی‌شناسند، گمان می‌کنند کریشنا شبیه یکی از ماست. این مورد نیز در بهاگاواد- گیتا(۱۱/۹) نقل شده است:

*avajānanti mām mūdhā
mānuṣīm tanum āśritam
param bhāvam ajānanto
mama bhūta-maheśvaram*

"ابلهان وقتی من به صورت انسان نزول می‌کنم، مرا استهزاء می‌کنند. آنان سرشت مطلق و روحانی مرا به‌عنوان خداوند متعال آنچه هست، نمی‌شناسند." ما شناس شناخت کریشنا را با خواندن متون صحیح تحت رهبری درست داریم و اگر فقط ماهیت خداوند را دریابیم، آنگاه تنها با فهمیدن این حقیقت رها خواهیم شد. در شرایط انسانی ما، درک

¹ Vaikuṅṭhaloka

کامل شخصیت مطلق و اعلاى خداوند غيرممکن است، اما با کمک بهاگاواد- گیتا، بیانات اظهارشده توسط شخصیت متعال خداوند و پیر روحانی، می‌توانیم او را تا سر حد ظرفیت خود به بهترین وجه بشناسیم. اگر ما بتوانیم او را واقعاً بشناسیم، بلافاصله پس از ترک این بدن می‌توانیم وارد قلمروی پادشاهی خداوند شویم. کریشنا در بهاگاواد- گیتا (۹/۴) می‌فرماید: "تیاکتوا دها پونار جانما ناییتی مام اِتی سو آرچونا": "پس از ترک این بدن، کسی که در دانش باشد مجدداً به این دنیای مادی باز نمی‌گردد بلکه وی به دنیای روحانی وارد شده و به سوی من باز می‌گردد."

هدف جنبش کریشناآگاهی ما پخش این آگاهی پیشرفته‌ی علمی در میان عموم مردم است و روند آن بسیار ساده می‌باشد. به سادگی با ذکر نام مقدس خداوند: هاره کریشنا، هاره کریشنا، کریشنا کریشنا، هاره هاره/ هاره راما، هاره راما، راما راما، هاره هاره^۲، شخص آلودگی را از قلب خود می‌زداید و به این ادراک که جزئی لاینفک از خداوند متعال، و وظیفه‌اش خدمت به وی است، دست می‌یابد. این روند بسیار خوشایند است: ما مانترای هاره کریشنا را ذکر می‌کنیم، با ریتمی خاص می‌رقصیم و پراساد لذیذی می‌خوریم. و در عین لذت بردن از این زندگی، مشغول تدارک برای ورود به ملکوت خداوند در زندگی بعدی خود هستیم. این موضوع نه ساختگی، بلکه حقیقی است. اگرچه این موضوع برای یک شخص غیرروحانی ساختگی می‌نماید، کریشنا خود را از درون برای شخصی که در ادراک خداوند جدی باشد، آشکار می‌سازد. کریشنا و پیر روحانی هر دو به روح مخلص، کمک می‌نمایند. پیر روحانی تجلی بیرونی خداوند است که خود به عنوان روح متعال در قلب همگان حضور دارد. روح متعال، فردی را که بسیار در درک و شناخت شخصیت اعلاى خداوند جدی باشد، با هدایت به سوی یک پیر روحانی معتبر و موثق، بلافاصله کمک و مساعدت می‌نماید. در این راه، خواهان روحانی از درون و بیرون یاری می‌گردد.

¹ tyaktvā deham punar janma naiti mām eti so 'rjuna

² Hare Kṛṣṇa, Hare Kṛṣṇa, Kṛṣṇa Kṛṣṇa, Hare Hare/ Hare Rāma, Hare Rāma, Rāma Rāma, Hare Hare

بر اساس بهاگواتا پورانا^۱، حقیقت متعال در سه مرحله قابل تشخیص است. نخست برهمن^۲ یا خداوند فاقد هویت، و سپس پاراماتما^۳ یا وجه متمرکز در مکان^۴ برهمن وجود دارد. نوترون موجود در اتم را می‌توان نمایشی از پاراماتمایی در نظر گرفت که حتی وارد اتم نیز می‌شود. این موضوع در برهما-سامهیتا نیز شرح داده شده است. اما در نهایت وجود مقدس متعال خداوند قرار دارد که به‌عنوان شخص جذاب کل متعال (کریشنا) با تمام توانگری‌های غیرقابل ادراک ثروت، قدرت، شهرت، زیبایی، دانش و انقطاع درک می‌شود. این شش توانگری توسط شری راماه^۵ و شری کریشنا^۶، هنگامی که در میان بشر هبوط کردند، به تمامی ارائه شده‌اند. تنها بخشی از انسان‌ها - عابدان پاک - می‌توانند کریشنا را از طریق مرجعیت متون مقدس بشناسند، اما دیگران تحت تأثیر انرژی مادی گیج و گمراه شده‌اند. از این رو حقیقت مطلق، شخص مطلق است که برابر و رقیب ندارد. انوار برهمن فاقد هویت، تشعشعات بدن متعال وی است، درست همان‌گونه که تشعشعات خورشید از خورشید متجلی شده‌اند.

بر اساس ویشنو پورانا^۷، انرژی مادی آویدیا^۸ یا جهل نامیده می‌شود و در فعالیت‌های ثمربخش مرتبط با ارضای حواس بروز می‌یابد. اما گرچه موجود زنده تمایل به قرار گرفتن در توهم دارد و توسط انرژی مادی برای ارضای حواس به دام افتاده است، اما به انرژی ضدمادی یا روحانی تعلق دارد؛ بدین معنی که موجود زنده انرژی مثبت است، درحالی که ماده، انرژی منفی می‌باشد. ماده مگر در تماس با انرژی برتر روحانی یا ضدمادی که جزئی جدانشدنی از کل روحانی است، بسط نمی‌یابد. موضوع این انرژی روحانی متجلی در موجودات زنده، بی‌شک برای یک فرد عادی بسیار پیچیده است و

¹ Bhāgavata Purāṇa

² Brahman

³ Paramātmā

⁴ localized aspect

⁵ Śrī Rāma

⁶ Śrī Kṛṣṇa

⁷ Viṣṇu Purāṇa

⁸ avidyā

چنین شخصی با شنیدن این مطلب متحیر خواهد شد. گاهی وی از طریق حواس ناقص خود این موضوع را اندکی درک می‌کند، و گاهی در شناخت تمامی آن دچار شکست می‌شود. از این‌رو بهترین راه، شنیدن از والاترین مرجع موثق، شری کریشنا، و یا از عابدان وی است که نماینده‌ی او در زنجیره‌ی سلسله‌ی پیران هستند.

هدف این جنبش کریشناآگاهی، درک و شناخت خداوند است. پیر روحانی نماینده‌ی زنده‌ی کریشناست که از بیرون به فرد کمک می‌کند، و کریشنا خود به‌عنوان روح متعال از درون او را یاری می‌نماید. موجود زنده می‌تواند از چنین هدایتی بهره‌بردار و در زندگی موفق گردد. ما تقاضا می‌کنیم همه متون معتبر و موثق را جهت درک این جنبش مطالعه نمایند. ما کتاب بهاگاواد- گیتا همان‌گونه که هست، آموزش‌های خداوند چیتانیا، شریما - بهاگاواتام، کریشنا، شخصیت‌اعلای خداوند، و شهد عبودیت را چاپ نموده‌ایم. ما همچنین مجلات بازگشت به خداوند را به زبان‌های بسیاری به‌طور ماهانه چاپ می‌کنیم. مأموریت ما، نجات جامعه‌ی انسانی از دام بازگشت مجدد به چرخه‌ی تولد و مرگ است. همه باید برای رفتن به سوی کریشنا تلاش کنند. مقاله‌ای در مجله‌ی بازگشت به خداوند با عنوان "آن سوی جهان" به چاپ رسانده‌ایم. این مقاله بر طبق دانش بهاگاواد- گیتا، مکانی را در آن سوی این جهان توصیف می‌کند. بهاگاواد- گیتا کتاب بسیار محبوبی است و نسخه‌های متعددی از آن در آمریکا و هندوستان وجود دارد. اما متأسفانه، حقه‌بازان بسیاری جهت موعظه‌ی آن به غرب آمده‌اند. آنها را به این دلیل حقه‌باز می‌نامیم که اطلاعات واقعی را ارائه نمی‌کنند. به هر حال در کتاب "بهاگاود- گیتا همان‌گونه که هست"، ذات روحانی، به‌طور موثق شرح داده شده است.

این تجلی کیهانی، "طبیعت" نامیده می‌شود، اما طبیعت دیگری وجود دارد که برتر است. تجلی کیهانی، طبیعت پست است، اما آن سوی این طبیعت، طبیعت دیگری وجود دارد که متجلی و نامتجلی است و ساناتانا^۱، یا ازلی نامیده می‌شود. درک آنکه هر آنچه در این‌جا متجلی شده موقتی است، ساده می‌باشد. مثال واضح بدن ماست. اگر شخص

¹ sanātana

سی‌ساله باشد، سی سال پیش بدن وی متجلی نشده بود و پنجاه سال بعد دوباره نامتجلی خواهد بود. این قانون واقعی طبیعت است. همه‌ی چیزها متجلی و دوباره نابود می‌شوند، درست همانند موج‌های دریا که مرتب بالا می‌آیند و سپس دوباره به عقب بازمی‌گردند. فرد مادی گرا فقط نگران این زندگی فانی است که هر لحظه ممکن است تمام شود. به علاوه، همان‌طور که این بدن خواهد مُرد، تمام جهان، این بدن غول‌پیکر مادی نیز، نابود خواهد شد؛ و چه ما خوشبخت باشیم یا نه، و در این سیاره یا سیارات دیگر ساکن باشیم، همه‌چیز تمام خواهد شد. پس چرا وقتمان را هدر دهیم و به سیاره‌ای برویم که همه‌چیز در آن تمام خواهد شد؟ ما باید تلاش کنیم به کریشناالوکا برویم. این دانش روحانی است؛ باید سعی کنیم آن را بفهمیم و پس از آنکه خودمان آن را درک نمودیم، این پیام را به گوش همه‌ی دنیا برسانیم. همه در تاریکی هستند. اگرچه مردم دانشی ندارند، بسیار مغرور هستند. اما این پیشرفت دانش نیست که پس از ده سال سعی و تلاش به سیاره‌ی ماه برویم، سنگی برداریم و بازگردیم. مسافران فضایی بسیار مغرور هستند که: "من لمسش کردم" اما آنها چه به دست آورده‌اند؟ حتی اگر قادر به زیستن در آن‌جا بودیم، زمان آن طولانی نمی‌بود. در پایان همه‌چیز از بین خواهد رفت.

سعی کنید سیاره‌ای را بیابید که هرگز از آن‌جا بازگشتی در کار نباشد؛ جایی که در آن زندگی جاودان وجود دارد و شخص می‌تواند با کریشنا برقصد. این معنی کریشنا‌آگاهی است. این جنبش را جدی بگیرید، زیرا کریشنا‌آگاهی به شخص شانس وصال به کریشنا و رقصی ابدی با وی را می‌دهد. از متون ودایی درمی‌یابیم که این دنیای مادی تنها تجلی یک‌چهارم کل آفرینش خداوند است. سه‌چهارم آفرینش خداوند، دنیای روحانی است. این موضوع را در بهاگاواد- گیتا می‌بینیم. کریشنا می‌گوید: "این جهان مادی چیزی به جز بخش کوچکی از کل نیست." اگر به دوردست‌ترین جای ممکن در آسمان نگاه کنیم، باز هم دیدمان تنها به یک دنیا محدود می‌شود، درحالی‌که تعداد نامحدودی کیهان در آنچه که دنیای مادی نامیده می‌شود، دور هم گرد آمده‌اند. اما آن‌سوی تعداد نامحدود این دسته کیهان‌ها، آسمان روحانی قرار دارد که در بهاگاواد- گیتا نیز به آن اشاره شده است، جایی که خداوند می‌فرماید آن‌سوی دنیای مادی، دنیای دیگری وجود

دارد که ازلی است، تاریخی از آغازش وجود نداشته است و پایانی هم ندارد. کلمه‌ی "ابدی" به چیزی که آغاز و پایان ندارد، اشاره می‌کند. آیین ودایی نیز ازلی نامیده می‌شود، زیرا کسی نمی‌تواند زمان آغاز آن را بیابد. دین مسیحیت تاریخی دوهزار ساله دارد. اسلام نیز تاریخی دارد، اما اگر شخص به دنبال سابقه‌ی آیین ودایی برود، منشاء پیدایش تاریخی آن را نخواهد یافت. از این رو آیین، ازلی نامیده شده است.

ما شاید به درستی بگوییم که خداوند دنیای مادی را آفرید، و این نشان می‌دهد وی پیش از آفرینش وجود داشته است. واژه‌ی "آفرید" به وجود خداوند پیش از آفرینش تجلی کیهانی اشاره دارد. از این رو، خداوند تحت آفرینش نیست. اگر خداوند تحت آفرینش بود، چگونه می‌توانست خلق نماید؟ در عوض می‌باید یکی از اجزای آفرینش مادی باشد. اما خداوند تحت آفرینش نیست؛ بلکه خالق، و از این رو جاودان و ازلی است.

آسمانی روحانی وجود دارد که بی‌شمار سیاره‌ی روحانی و موجودات زنده‌ی روحانی در آن هستند. اما آنها که صلاحیت زندگی در دنیای روحانی را ندارند، به دنیای مادی فرستاده می‌شوند. ما خود داوطلبانه این بدن مادی را پذیرفته‌ایم، اما در واقع ارواح فردی هستیم که نباید آن را می‌پذیرفتیم. اینکه چگونه و چه وقت آن را پذیرفتیم، قابل ردیابی نیست. هیچ کس نمی‌تواند تاریخچه‌ی اینکه چه زمانی روح مقید بدن مادی را برای نخستین بار پذیرفت، ردیابی نماید. ۸۴۰۰۰۰۰ گونه از موجودات زنده - شامل ۹۰۰۰۰۰ گونه‌ی موجودات زنده‌ی آبی، و ۲۰۰۰۰۰۰۰ گونه گیاه و سبزیجات - وجود دارد. متأسفانه این دانش ودایی توسط هیچ دانشگاهی تعلیم داده نمی‌شود. اما اینها واقعیت هستند. بگذاریم گیاه‌شناسان و انسان‌شناسان در نتایج ودایی تحقیق نمایند. تئوری سیر تکاملی اندام مادی داروین، مطمئناً در مؤسسات آموزشی بسیار برجسته و مهم است. اما بهاگواتا پورانا و سایر کتب مقدس معتبر علمی عظیم توصیف می‌نمایند که چگونه موجودات زنده فرم‌های مختلف بدن را یکی پس از دیگری اتخاذ می‌نمایند. این نظر جدیدی نیست، اگرچه در متون ودایی اطلاعات گسترده‌ای از شرایط زندگی در دنیای مادی وجود دارد، اما معلمان تنها بر تئوری داروین تأکید می‌نمایند.

ما تنها بخشی جزئی از تمام موجودات زنده در جهان‌های بسیار دنیای مادی هستیم. آنها که در دنیای مادی و بدن مادی قرار گرفته‌اند، محکوم هستند. برای مثال، جمعیت موجود در زندان‌های یک کشور که توسط دولت محکوم شده‌اند، بخشی اندک از کل جمعیت به حساب می‌آید. این طور نیست که کل جمعیت به زندان بروند، بلکه فقط برخی که نافرمان هستند در زندان محبوس می‌شوند. به طور مشابه، اوراح مقید در دنیای مادی، تنها بخشی جزئی از کل موجودات زنده در آفرینش خداوند هستند و از آن جایی که آنها از خداوند نافرمانی نموده‌اند - زیرا به فرمان کریشنا وفادار نمانده‌اند - به دنیای مادی فرستاده شده‌اند. اگر شخص عاقل و کنجکاو باشد باید سعی کند بفهمد که: "من چرا به این زندگی مقید آورده شده‌ام؟ من نمی‌خواهم رنج بکشم."

سه گونه رنج مربوط به بدن و ذهن وجود دارد. در هاوایی، روبروی خانه من مردی چندین حیوان و پرنده را برای ذبح نگهداری می‌کرد. این مثال را برای شاگردانم آوردم: "این حیوانات این جا ایستاده‌اند و اگر به آنها بگویید: "آه، حیوانات عزیز، چرا این جا ایستاده‌اید؟ فرار کنید! شما را به کشتارگاه خواهند فرستاد"، نمی‌توانند بروند زیرا شعور لازم برای فهم این مسئله را ندارند."

رنج کشیدن بدون دانش و بدون چاره‌جویی، زندگی حیوانی است. شخصی که نمی‌تواند بفهمد در حال رنج کشیدن است و می‌اندیشد که بسیار آسوده می‌باشد، در آگاهی حیوانی قرار دارد نه در آگاهی انسانی. انسان باید از بدبختی ناشی از رنج‌های سه‌گانه در این سیاره، آگاه باشد. شخص باید بداند که وی در زمان تولد، مرگ، پیری و بیماری رنج می‌کشد؛ باید نسبت به چگونگی پرهیز از این رنج‌ها کنجکاو نماید. این یک پژوهش واقعی است.

ما از ابتدای تولدمان رنج کشیده‌ایم. به عنوان مثال یک جنین در بطن مادر، در کیسه‌ای بدون هوا و بسته، برای نه ماه به سختی جا داده شده است. او حتی نمی‌تواند حرکت کند. موجودات ریزی وی را آزار می‌دهند، و او نمی‌تواند اعتراض نماید. پس از آنکه بچه به دنیا می‌آید، رنج ادامه دارد. بی‌شک مادر از او مراقبت بسیاری می‌کند، اما بچه هنوز گریه می‌کند، زیرا رنج می‌کشد. بچه از نیش حشرات یا درد معده می‌گرید و مادر

نمی‌داند چگونه او را آرام نماید. رنج کشیدن وی از درون رحم مادر شروع می‌شود. پس از تولد همان طور که رشد می‌کند، رنج بیشتری را متحمل می‌شود. نمی‌خواهد به مدرسه برود، اما مجبور به رفتن است. نمی‌خواهد درس بخواند، اما معلمش به او تکلیف می‌دهد. اگر زندگی خود را تحلیل کنیم، خواهیم یافت که پر از رنج است. پس چرا به این‌جا می‌آییم؟ ارواح مقید خیلی باهوش نیستند. باید جویا شویم که: "چرا رنج می‌کشیم؟" و اگر علاجی وجود دارد، باید از آن بهره‌گیریم.

ما به طور ازلی به خداوند متعال متصل هستیم، اما در حال حاضر به نوعی در آلودگی مادی واقع شده‌ایم. از این رو باید فرایندی را در پیش گیریم که از طریق آن به دنیای روحانی بازگردیم. این فرایند اتصال، یوگا نامیده می‌شود. معنی واقعی یوگا "به علاوه"^۱ است. در حال حاضر ما منهای خداوند، یا جدا از متعال هستیم. اما زمانی که خود را با او جمع - متصل به او - می‌کنیم، فرم حیات انسانیمان کامل خواهد بود. ما باید در طول زندگی خود دستیابی به آن نقطه‌ی کمال را تمرین نماییم و در زمان مرگ، هنگامی که این بدن مادی را تسلیم می‌نماییم، آن کمال باید درک شود. در زمان مرگ، شخص باید آماده باشد. برای مثال، شاگردان خود را به مدت دو یا پنج سال در دانشکده آماده می‌سازند و سنجش نهایی آموزش آنها از طریق یک آزمون خواهد بود. اگر در این آزمون نهایی قبول شوند، مدرکشان را می‌گیرند. به طور مشابه در مورد زندگی، اگر خود را برای امتحان در زمان مرگ آماده سازیم و از آن سربلند بیرون آییم، به دنیای روحانی منتقل می‌شویم. همه چیز در زمان مرگ آزموده می‌شود.

یک ضرب‌المثل معروف بنگالی می‌گوید هر آنچه که شخص برای کمال انجام دهد، در زمان مرگ آزموده خواهد شد. بهاگاواد- گیتا آنچه که ما باید در زمان مرگ و تسلیم بدن فعلی انجام دهیم را توصیف می‌نماید. برای دهیانا- یوگی^۲ (فرد تمرکزکننده)، شری کریشنا به شرح ذیل سخن می‌گوید:

¹ plus

² dhyāna-yogī

*yad akṣaram veda-vido vadanti
viśanti yad yatayo vīta-rāgāḥ
yad icchanto brahmacaryam caranti
tat te padam saṅgrahena pravakṣye*

*sarva-dvārāṇi samyamya
mano hṛdi nirudhya ca
mūrdhny ādhāyātmanah prāṇam
āsthito yoga-dhāraṇām*

"افراد دانش‌آموخته در زمینه‌ی وداها که به ذکر اُمکارا^۱ می‌پردازند و حکیمان بزرگ واقع در مرحله‌ی انقطاع هستند، وارد برهن می‌شوند. شخص در آرزوی دستیابی به چنین کمالی، مجرد اختیار می‌کند. اکنون این روش را که با آن شخص به رهایی دست می‌یابد، برایت به اختصار توضیح خواهم داد. مفهوم یوگا، انقطاع از کلیه‌ی کامجویی‌های حواس است. شخص با بستن تمام درهای حواس و متمرکز نمودن ذهن بر قلب و هوای حیات بر بالای سر، خود را در یوگا قرار می‌دهد." (ب.گ. ۱۱/۸ و ۱۲) در سیستم یوگا این روند پراتیاهارا^۲ نامیده می‌شود که در زبان تخصصی به معنی "برعکس" است. در حال حاضر چشمان ما مشغول دیدن زیبایی دنیوی هستند، پس شخص باید آنها را از لذت ناشی از زیبایی دنیوی برگیرد، و بر دیدن زیبایی درون متمرکز نماید. این پراتیاهارا نامیده می‌شود. همچنین شخص باید صوت اُمکارا را از درون بشنود.

*om ity ekākṣaram brahma
vyāharan mām anusmaran
yaḥ prayāti tyajan deham
sa yāti paramām gatim*

^۱ omkāra

^۲ pratyāhāra

"چنانچه شخص پس از استقرار در این عمل یوگا، و ذکر هجای مقدس^۱، ترکیب متعال حروف، به شخصیت اعلاهی پروردگار بیاندیشد و بدنش را ترک نماید، قطعاً به سیارات روحانی واصل خواهد شد." (ب.گ. ۱۳/۸) در این روش، باید کلیه‌ی فعالیت‌های بیرونی حواس را متوقف، و ذهن را بر ویشنو-مورتی^۲، فرم خداوند ویشنو، متمرکز نمود. این کمال یوگاست. ذهن بسیار سرکش است، بنابراین باید آن را بر روی قلب ثابت نمود. هنگامی که ذهن در درون قلب ثابت گردد و جریان حیات به بالای سر منتقل شود، شخص می‌تواند به کمال یوگا دست یابد.

پس از این مرحله، یوگی کامل تصمیم می‌گیرد به کجا برود. بی‌شمار سیارات مادی وجود دارند و در ورای این سیارات، دنیای روحانی قرار گرفته است. یوگی‌ها این اطلاعات را از متون ودایی به دست آورده‌اند. برای مثال پیش از آنکه به آمریکا بیایم، توصیفات از آن در کتاب‌ها خواندم. به‌طور مشابه، توصیف سیارات بالاتر و دنیای روحانی در متون ودایی یافت می‌شود. یک یوگی همه‌چیز را می‌داند. او می‌تواند به هر سیاره‌ای که دوست دارد برود و برای این کار به فضاییما نیازی ندارد.

دانشمندان مادی سال‌ها تلاش نموده‌اند و این تلاش برای صد یا هزار سال دیگر نیز ادامه خواهد داشت؛ اما آنها به هیچ سیاره‌ای قدم نخواهند گذاشت. شاید با یک روند علمی، یک یا دو نفر به برخی از سیارات دست یابند، اما این روند عمومی نخواهد بود. فرایند مقبول عمومی برای انتقال به سیارات دیگر، تمرین سیستم یوگا و یا سیستم گیانا^۲ است. اما سیستم بهاکتی برای انتقال به هیچ سیاره‌ی مادی نیست. کسانی که مشغول خدمت عبادانه و عاشقانه به کریشنا یا خداوند متعال می‌شوند، به هیچ سیاره‌ی در دنیای مادی علاقه ندارند؛ زیرا می‌دانند اهمیتی ندارد که شخص خود را به کدام سیاره ارتقاء دهد، زیرا در آن سیاره نیز وی کماکان با چهار قانون موجودیت مادی دست و پنجه نرم خواهد کرد. طول عمر در برخی سیارات بیشتر از عمر زمینی است، اما مرگ در آنها نیز

¹ viṣṇu-mūrti

² jñāna

وجود دارد. به هر حال افراد کریشناآگاه به ورای حیات مادی مشتمل بر تولد، مرگ، بیماری و پیری خواهند رفت.

حیات روحانی به معنای خلاصی از این تشویش و بدبختی است. از این‌رو، افراد باهوش سعی به ارتقای خود به هیچ سیاره‌ی دیگری در دنیای مادی نمی‌کنند. بشر تلاش می‌کند به سیاره‌ی ماه دست یابد، و اگرچه کسب مجوز ورود به آن سیاره بسیار دشوار است، اگر مجوز ورود را به دست آوریم، بر طول عمرمان افزوده خواهد شد. البته این کار در این بدن عملی نخواهد بود. اگر قرار بود با این بدن وارد ماه شویم، مرگ آنی ما حتمی می‌بود.

هنگامی که شخص وارد یک سیستم سیاره‌ای می‌شود، باید بدنی متناسب آن سیاره داشته باشد. هر سیاره‌ی سکونت‌گاه موجودات زنده‌ای با بدن‌های متناسب با همان سیاره است. برای نمونه ما در بدن فعلی مان می‌توانیم وارد آب شویم، اما نمی‌توانیم در آن زندگی کنیم. ممکن است برای پانزده، شانزده یا شاید بیست و چهار ساعت آن‌جا بمانیم، اما از آن بیشتر ممکن نخواهد بود. اما حیوانات آبی بدن‌های مخصوصی مناسب زندگی در آب برای تمام عمرشان دارند. به‌طور مشابه، اگر شخص یک ماهی را از آب بگیرد و در خشکی نگه دارد، آن ماهی فوراً خواهد مرد. همان‌طور که می‌دانیم، در این سیاره گونه‌های مختلف بدن برای زیستن در مکان‌های خاص وجود دارد. پس به‌طور مشابه، اگر می‌خواهیم به سیارات دیگری برویم، باید خود را برای گرفتن بدنی مناسب آماده سازیم.

اگر شخص خود را منتقل نماید و روحش با این سیستم یوگایی به سیاره‌ی ماه عزیمت نماید، عمری طولانی خواهد داشت. طول یک روز در سیارات بالاتر، برابر با شش ماه زمین است. بدین‌سان، موجودات در آن‌جا ده هزار سال عمر خواهند کرد. این توصیفی است که در متون ودایی آمده است. پس بی‌شک شخص می‌تواند یک زندگی طولانی بگیرد، اما هنوز مرگ وجود دارد. پس از ده یا بیست هزار سال و یا حتی پس از میلیون‌ها سال (فرقی نمی‌کند)، مرگ فرا می‌رسد.

در واقع ما هدفِ مرگ نیستیم. این موضوع در ابتدای بهاگاواد- گیتا (۲۰/۲) اظهار شده است: "نا هانیاته هانیامانه شاریره"^۱. ما روحیم و از این رو جاودان هستیم. پس چرا خودمان را در معرض تولد و مرگ قرار دهیم؟ عاقلانه است که این گونه بیانیدیشیم. افراد کریشناآگاه بسیار عاقلند، زیرا به ارتقاء به هیچ سیاره‌ی دیگری که با وجود طول عمر زیاد در آن مرگ وجود دارد، علاقه‌ای ندارند، بلکه مشتاق گرفتن بدنی همانند بدن خداوند هستند. ایشوارا پاراما کریشنا، سات-چید-آناندا- ویگراها^۲ (برهما سامهیتا، ۱/۵). بدن خداوند "سات-چیت-آناندا"^۳ است. سات به معنی "جاودان"، چیت به معنی "سرشار از دانش"، و آناندا به معنی "سرشار از شمع" است.

همان گونه که در کتاب کوچک "کریشنا، منبع لذت" خود بیان کرده‌ایم، اگر ما خود را به دنیای روحانی، به سیاره‌ی کریشنا و یا هر سیاره‌ی روحانی دیگری انتقال دهیم، بدنی شبیه بدن خداوند یعنی سات-چیت-آناندا، یا جاودان، سرشار از دانش و سرشار از شمع خواهیم گرفت.

بنابراین افرادی که سعی می‌نمایند کریشناآگاه باشند، نسبت به آنان که سعی می‌کنند خود را به سیارات بهتر در دنیای مادی ارتقاء دهند، هدف متفاوتی در زندگی دارند. خداوند کریشنا می‌فرماید: "موردنیا دهایاتمانا پرانام آشتیتو یوگا- دارانام"^۴: "کمال یوگا، انتقال خود به دنیای روحانی است." (ب.گ، ۱۲/۸)

روح فردی، ذره‌ای بسیار خرد و کوچک در درون بدن است و ما نمی‌توانیم آن را ببینیم. شخص برای انتقال روح خود به بالاترین قسمت سر، سیستم یوگا را تمرین می‌کند. این تمرین در تمام مدت زندگی شخص ادامه می‌یابد و کمال زمانی حاصل می‌شود که شخص بتواند خود را به بالاترین قسمت سر ببرد و از آنجا خارج شود. سپس وی

^۱ روح با کشته شدن بدن از بین نمی‌رود: na hanyate hanyamāne śarīre

^۲ Īśvaraḥ paramaḥ kṛṣṇaḥ sac-cid-ānanda-vigrahaḥ

^۳ sac-cid-ānanda

^۴ mūrdhny ādhāyātmanaḥ prāṇam āsthito yoga-dhāraṇām

می‌تواند خود را به هر سیاره‌ی بالاتری که می‌پسندد، منتقل نماید. این کمالی است که یک یوگی به آن دست می‌یابد.

اگر یوگی کنجکاو به دیدن ماه باشد، با خود خواهد گفت: "بگذار بینم ماه چه شکلی است، سپس خود را به سیارات بالاتر منتقل نمایم." درست شبیه مسافرانی که به اروپا، کالیفرنیا، کانادا و یا دیگر کشورها بر روی سیاره‌ی زمین سفر می‌کنند. شخص می‌تواند خود را با این سیستم یوگا به سیارات بسیاری منتقل نماید؛ اما به هر کجا که برود، سیستم روآید و گمرک را در آن‌جا خواهد یافت. شخص باید شایسته‌ی ورود به سیارات دیگر باشد.

افراد کریشناگاه به هیچ سیاره‌ی موقتی تمایل ندارند، حتی اگر به آنها فرصت یک زندگی طولانی را اعطاء نماید. اگر یوگی در زمان مرگ بتواند هجای ام، فرم موجز صوت متعال را تلفظ کند و در همان زمان *مام آنوسماران*^۱، کریشنا و ویشنو را به یاد آورد، به کمال خواهد رسید. هدف همه سیستم‌های یوگا، تمرکز ذهن بر روی ویشنو است. بی‌هویت‌گرایان تصور می‌کنند که فرم ویشنو یا خداوند را می‌بینند، اما هویت‌گرایان تصور نمی‌کنند، بلکه واقعاً فرم خداوند متعال را می‌بینند. به هر صورت، چه شخص ذهنش را از طریق تصور، و چه از طریق دیدن واقعی متمرکز نماید، این تمرکز را باید تنها بر فرم ویشنو انجام دهد. مام^۲ به معنی "بر خداوند متعال ویشنو" است. هر آن‌کس که این بدن را با ذهنی تمرکز یافته بر ویشنو ترک نماید، پس از ترک بدن به ملکوت روحانی خداوند وارد می‌شود. یوگیان واقعی خواسته‌ی ورود به سیارات دیگر را ندارند، زیرا می‌دانند که بر روی سیارات موقتی حیات نیز موقتی خواهد بود و بنابراین آنها علاقه‌ای به این امر ندارند. این نشانه‌ی هوشمندی است.

بر اساس گفته‌ی بهاگاد- گیتا (۲۳/۷)، افرادی که با خوشبختی موقتی، زندگی موقتی و تسهیلات موقتی راضی هستند، عاقل نیستند: "آتاوات تو پهالام تشام تاد بهاواتی آپا

¹ mām anusmaran

² mām

مدهاشام^۱: "اشخاص کم‌شعور علاقمند به چیزهای موقتی هستند." این نظر شریمادهاگاواد- گیتاست، من جاودان و ازلی هستم، پس چرا به چیزهای موقتی تمایل داشته باشم؟ چه کسی زندگی موقتی می‌خواهد؟ هیچ‌کس! اگر ما در آپارتمانی زندگی کنیم و صاحب‌خانه بخواهد آن را خالی نماییم، متأسف می‌شویم. اما اگر به آپارتمان بهتری برویم، متأسف نمی‌شویم. بنابراین طبیعت ما چنین است. ما آروزی مرگ نمی‌کنیم، زیرا جاودان هستیم.

اتمسفر مادی ما را از جاودانگی‌مان دور می‌سازد. شریمادهاگاواتام می‌گوید: "طول عمر ما توسط خورشید در حال تقلیل یافتن است، از طلوع تا زمانی که غروب می‌نماید." طول عمرمان را روزانه از دست می‌دهیم. اگر خورشید ساعت پنج و نیم صبح طلوع کند، در ساعت پنج و نیم عصر، دوازده ساعت از طول عمرمان کسر شده است و ما هرگز قادر به پس گرفتن این زمان نخواهیم بود. اگر به هر دانشمندی بگوییم: "به تو دوازده میلیون دلار می‌دهم، لطفاً دوازده ساعت از زندگی مرا به من بازگردان" او پاسخ خواهد داد "نه، غیرممکن است." دانشمندان نمی‌توانند چنین کاری را انجام دهند. از این رو بهاگاواتام می‌گوید از طلوع خورشید تا غروب، طول عمر ما در حال تقلیل است.

زمان شامل گذشته، حال و آینده، کالا^۲ نامیده می‌شود. آنچه اکنون حال است، فردا گذشته خواهد بود و آنچه امروز، آینده است، فردا حال خواهد بود. اما این گذشته، حال و آینده، گذشته، حال و آینده‌ی بدن هستند. ما به هیچ‌یک از دسته‌های گذشته، حال یا آینده تعلق نداریم، بلکه متعلق به دسته‌ی ابدیت هستیم. از این رو شخص باید نگران چگونگی دستیابی به سکوی ازلیت یا نحوه‌ی ارتقای به آن باشد. آگاهی پیشرفته‌ی بشر نباید در غرایز حیوانی از قبیل خوردن، خوابیدن، تولید مثل و دفاع، بلکه در جستجوی راهی باارزش به کار برده شود که به او کمک نماید تا به زندگی جاویدان دست یابد. گفته شده خورشید در حال کاهش طول عمر ما - در هر دقیقه، هر ساعت و هر روز - است،

¹ Antavat tu phalaṁ teṣāṁ tad bhavaty alpa-medhasām

² kāla

اما اگر خود را مشغول موضوعات مربوط به خداوند یا اوتاما-اشلوکا^۱ نمایم، این زمان از ما گرفته نمی‌شود. زمانی که یک عابد در معبد کریشناآگاهی می‌گذراند، نمی‌تواند گرفته شود. این یک دارایی است، چیزی است که افزوده می‌شود، نه کاسته. طول عمر تا آن جا که به بدن مربوط می‌شود، کاسته می‌شود؛ و هر اندازه هم که انسان تلاش می‌کند تا آن را دست‌نخورده حفظ نماید، اما هیچ‌کس از عهده‌ی این کار بر نمی‌آید. اما تعلیمات روحانی که ما در کریشناآگاهی دریافت می‌کنیم، نمی‌تواند توسط خورشید از ما گرفته شود و به یک دارایی ناب تبدیل می‌شود.

ذکر هاره کریشنا، هاره کریشنا، کریشنا کریشنا، هاره هاره، هاره هاره، هاره هاره، اما، اما، اما، اما، هاره هاره، کاری بسیار ساده است. زمانی که صرف ذکر کردن می‌شود همانند زمان متعلق به بدن نمی‌تواند گرفته شود. پنجاه سال پیش من مرد جوانی بودم، اما زمان گذشته قابل بازگشت نیست. با این وجود، تعالیمی که من از پیر روحانی‌ام فرا گرفته‌ام، حتی پس از ترک این بدن همراهم خواهند بود و اگر در این زندگی کامل باشد، مرا به منزلگاه ازلی خواهد برند.

دنیای مادی و روحانی هر دو به کریشنا تعلق دارند و ما مالک هیچ‌چیز نیستیم. همه‌ی آنها دارایی خداوند متعال هستند، درست همان‌طور که هر چیزی در کشور، چه در داخل زندان و چه خارج از آن به دولت تعلق دارد. زندگی مقید در این دنیای مادی درست شبیه زندگی در زندان است. زندانی به اختیار خود نمی‌تواند سلولش را عوض نماید. در زندگی آزاد، شخص می‌تواند از خانه‌ای به خانه دیگر برود، اما در زندان نمی‌تواند چنین کاری را انجام دهد و باید در سلول خود بماند. تمامی این سیارات مانند سلول‌ها هستند. ما برای رفتن به سیاره‌ی ماه تلاش می‌کنیم، اما این انجام کار با ابزار مکانیکی عملی نیست. ما چه آمریکایی باشیم، چه هندی، یا چینی یا روسی، این سیاره برای زندگی کردن به ما ارزانی شده است - اگرچه میلیون‌ها و میلیارد‌ها سیاره وجود دارد و ماشین‌هایی داریم که با آنها می‌توانیم به سیارات دیگر برویم، نمی‌توانیم آن را ترک کنیم - زیرا توسط قوانین

¹ Uttama-śloka

طبیعت و قوانین خداوند، مقید شده‌ایم. کسی که در سلول معینی زندانی شده است، نمی‌تواند آن را به اراده‌ی خود و بدون اراده‌ی مقامی بالا، تغییر دهد. کریشنا در بهاگاواد- گیتا می‌فرماید که شخص نباید برای تغییر از یک سلول به سلول دیگر بیهوده تلاش نماید. این کار هیچ‌کس را خوشحال نخواهد کرد. اگر زندانی بیانداشود^۱ "من در این سلول هستم، بگذار از نگهبان درخواست کنم که سلولم را عوض نماید و آنگاه خوشحال خواهم شد." چنین ایده‌ای اشتباه است. تا زمانی که فرد در میان دیوارهای زندان گرفتار است، نمی‌تواند خوشحال باشد. ما سعی می‌کنیم با تغییر سلول خود - از سرمایه‌داری به کمونیسم - خوشحال شویم. هدف را باید از این مکتب و آن مکتب جدا نمود. شخص باید به طور کامل از مکتب مادی‌گرایی روی برگرداند تا خوشحال شود. این برنامه‌ی کریشنا آگاهی است.

ما توصیه‌ی شخص متعال را می‌پذیریم. او می‌گوید: "آرجونای عزیز من، تو می‌توانی به بالاترین سیستم سیاره‌ای، یعنی برهمالوکا ارتقاء یابی که در آن‌جا به دلیل عمر طولانی، شرایط حیات بسیار مطلوب است." ما نمی‌توانیم حتی یک نیم روز این سیاره را محاسبه نماییم، زیرا چنین کاری ورای محاسبات مادی ما خواهد بود. اما حتی در برهمالوکا نیز مرگ وجود دارد. از این رو کریشنا می‌گوید: "وقت خود را در کوشش برای صعود یا انتقال خود از این سیاره به سیاره‌ی دیگر هدر نده."

مردمی که من در آمریکا دیده‌ام بسیار بی‌قرارند. آنها از آپارتمانی به آپارتمان دیگر یا از کشوری به کشور دیگر می‌روند. چنین بی‌قراری به دلیل آنکه ما در جستجوی خانه‌ی واقعی خود هستیم، وجود دارد. از مکانی به مکان دیگر رفتن، زندگی جاودان نخواهد بخشید. زندگی ازلی با کریشنا است. از این رو کریشنا می‌گوید: "همه‌چیز به من تعلق دارد و من والاترین منزلگاه را دارم که گولوکا ورینداوان^۱ نامیده می‌شود." اگر شخص می‌خواهد به آن‌جا برود فقط باید کریشنا آگاه شود و برای درک اینکه کریشنا چگونه ظهور می‌نماید و غیبت می‌کند، جایگاه قانونی وی چیست، جایگاه ما کجاست، رابطه‌ی

¹ Goloka Vṛndāvana

ما با او چیست و چگونه باید زندگی کرد، تلاش نماید. فقط سعی کنید این ایده‌ها را به روش علمی درک نمایید. همه چیز در کربشنا آگاهی علمی است، نه ساختگی، خیال بافانه، برخاسته از احساسات، متعصبانه و یا تخیلی. این حقیقت، واقعیت و اصل وجود است. شخص باید کربشنا را در حقیقت درک نماید.

ما چه بخواهیم و چه نخواهیم، مجبور به تسلیم این بدن هستیم. روزی فرا خواهد رسید که ما ناگزیر از تسلیم به قوانین طبیعت و ترک این بدن خواهیم بود. حتی رییس جمهور کندی نیز در اوج ترقی خود، مجبور به تسلیم در مقابل قوانین طبیعت شد و بدن خود را به منظور دریافت بدنی دیگر ترک نمود. او نمی‌توانست بگوید: "من رییس‌جمهور کندی هستم و نمی‌توانم این کار را انجام دهم." او مجبور به انجام چنین کاری بود. طبیعت این‌گونه رفتار می‌کند.

منظور از آگاهی انسانی پیشرفته‌ی ما، درک چگونگی کارکرد طبیعت است. قطع نظر از آگاهی انسانی، در سگ‌ها، گربه‌ها، کرم‌ها، درختان، پرندگان، چهارپایان و تمامی دیگر گونه‌ها نیز آگاهی وجود دارد. اما ما برای زیستن با آن آگاهی نیامده‌ایم. شریما-د-بهاگواتام می‌گوید که ما پس از چندین و چندین تولد، بدن انسانی را به دست آورده‌ایم. حال نباید از آن سوء استفاده کنیم. لطفاً از این زندگی انسانی جهت پرورش کربشنا آگاهی بهره‌گیرید و خوشحال باشید.

واژه‌نامه

<i>Aparā prakṛti</i>	آپارا پراکرتی انرژی مادون یا مادی.
<i>Aṣṭāṅga-yoga</i>	آشتانگا-یوگا هنر مادی گرایانه‌ی کنترل جریان‌های هوا در بدن برای انتقال به سیاره‌ی دلخواه.
<i>Avidyā</i>	آویدیا جهل
<i>Brahmā</i>	برهما اولین موجود زنده‌ی خلق شده و خالق ثانوی جهان مادی. تحت هدایت خداوند متعال، ویشنو، او تمام گونه‌های مختلف حیاتی در جهان را به وجود می‌آورد.
<i>Brahmajyot</i>	برهماجیوتی تابش روحانی که از بدن شخصیت‌اعلای خداوند کریشنا ساطع می‌شود.
<i>Brahma-pāda</i>	برهما-پادا کسب مقام و اشتغال در جایگاه برهما.
<i>Brahma-randhra</i>	برهما-راندرا سوراخی در بالاترین قسمت جمجمه. با بالا بردن نیروی زندگانی به برهما-راندرا، یک یوگی قادر خواهد بود که بدن‌های زمخت و لطیف خود را ترک نماید و به سیارات متعال وایکوتنرها برسد.

Brahma-saṁhitā

برهما - سامهیتا

رساله‌ای بسیار کهن به زبان سانسکریت، که مجموعه‌ی نیایش‌های برهما به خداوند متعال، گوویندا، است. این متن را حضرت چیتانیا ماهاپرابهو در معبدی در جنوب هند پیدا کرد.

Brahmaloka

برهما لوکا

اقامتگاه خداوندگار برهما و برترین سیاره در این جهان مادی.

Brahman

برهمن

تشعشی که از بدن متعال خداوند کریشنا ساطع می‌گردد.

Bhakti-yoga

بهاکتی - یوگا

خدمت عابدانه‌ی مملو از عشق به کریشنا - عمل انرژی برتر.

Bhagavad-gītā

به‌اگاواد - گیتا

منظومه‌ای از تعالیم مقدس که کریشنا، شخصیت اعلا‌ی خداوند، در میدان جنگ کوروکشترا به عابد صمیمیش آرجونا داده است. خداوند کریشنا در این تعالیم راه کامل خودشناسی در این عصر تاریک نزاع و نفاق را، با شناخت حقیقت مطلق و انجام خدمت عابدانه به خداوند، به طرز علمی شرح می‌دهد. این کتاب در سراسر جهان به عنوان جوهر دانش ودایی شهرت به‌سزایی دارد. ترجمه و شرح شریلاپرابهوپاد بر آن با نام "به‌اگاوادگیتا، همان‌گونه که هست" به فارسی منتشر شده است.

Bhāva

به‌اوا

دلبستگی، مرحله‌ی قبل از عشق به خداوند.

Parā prakṛti

پارا - پراکرتی

فرم برتر انرژی که جهان ضدماده را خلق می‌نماید.

Para-vyoma

پارا - ویوما

سیستم سیارات روحانی متنوع که سه‌چهارم انرژی آفرینش خداوند را تشکیل می‌دهد

و وایکونتهالوکا (Vaikuṅṭhaloka) نیز نامیده می‌شود.

Pratyāhāra

پراتیاهارا

فرایند بستن درهای تمام حواس و تمرکز ذهن بر روی قلب و هوای زندگانی در بالای سر، و اشتغال شخص در یوگا.

Pitās

پیتاس

اجداد در گذشته.

Tamas

تاماس

گونه‌ی مادی جهل.

Jīva

جیوا

روح زنده یا نیروی حیات.

Dhūma

دهوما

شب تاریک و بدون ماه (هر دو هفته یک‌بار). افرادی که در طول این دوره‌ی مناسب برای مرگ، بدن خود را ترک می‌کنند می‌توانند به سیارات فوقانی ارتقاء یابند، ولی پس از مرگ در آن‌جا دوباره به سیاره‌ی زمین بازمی‌گردند.

Rajas

راجاس

گونه‌ی مادی شهوت.

Sanātana-dharma

ساناتانا-دهارما

طبیعت جاودان موجود زنده برای خدمت کردن.

Sanātana-dhāma

ساناتانا-دهاما

طبیعت جاویدان؛ آسمان ضدمادی که در ورای جهان مادی واقع شده است.

Sāṅkhyaites

سانکھیایتی

جستجوگرانی که اصول مادی را با تجزیه و تحلیل‌های دقیق موشکافی می‌کنند.

Sattva

ساتوا

گونه‌ی مادی نیکی.

Satyaloka

ساتیا-لوکا

بالاترین سیاره در جهان مادی که برهمالوکا نیز نامیده می‌شود.

Soma-rasa

سوما-راسا

شرابی آسمانی که بر روی ماه نوشیده می‌شود.

Siddhaloka

سیدها-لوکا

سیارات موجوداتی که به لحاظ مادی کامل هستند و توانایی‌های کاملی برای کنترل جاذبه، فضا، زمان و ... دارند.

Śrīmad-Bhāgavatam

شریماد-بهاگواتام

یکی از هجده پورانا، و بالاترین آنها، که دانش کامل شناخت شخصیت اعلای خداوند و مقام متعال او است. این گنجینه‌ی معارف را پنج‌هزارسال پیش شریلاویاسادو، به ویژه برای مردم این عصر تاریک نزاع و نفاق، به رشته‌ی تحریر درآورده است.

Kāla

کالا

زمان ابدی.

Kṛṣṇaloka

کریشنالوکا

ملکوت اعلای خداوند کریشنا.

Guna

گونا

گونه‌های طبیعت.

Vaikuṅṭhaloka

وایکونتهالوکا

نگاه کنید به: پارا-ویوما

Vibhūti-bhinnam

ویبھوتی-بینام

استعدادهای خاص متنوع که موجب می‌شود هر سیاره اتمسفر ویژه‌ی خود را داشته باشد و سبب می‌گردد که ارگانیزم ساکن هر سیاره برای انتقال به سیاره‌ی دیگر ناگزیر از تغییرات بدنی و روان‌شناختی باشد.

Viṣṇu-mūrti

ویشنو-مورتی

فرم خداوند ویشنو.

درباره‌ی نویسنده

۱. ج. بهاکتی‌ودانتا سوامی پرابهوپاد^۱ با شهرت جهانی "شریلا پرابهوپاد"^۲ در ۱۸۹۶ در کلکته‌ی هندوستان چشم بر این جهان گشود. در ۱۹۲۲، در نخستین ملاقات با پیر روحانی خود، "شریلا بهاکتی سیدهانتا ساراسواتی گوسوامی"^۳، وی از شریلا پرابهوپاد خواست تا نسبت به اشاعه‌ی دانش ودایی در جهان غرب اقدام کند. شریلا پرابهوپاد شاگردی او را پذیرفت و یازده سال بعد در الله‌آباد مرید تشریف‌یافته‌ی وی شد. در سال‌های بعد وی شرحی بر بهاگاواد-گیتا نگاشت و در ۱۹۴۴ بدون هیچ کمکی، انتشار مجله‌ی "بازگشت به نزد خدا"^۴ را به زبان انگلیسی، هر دو هفته یک‌بار، آغاز کرد. انتشار این مجله پس از آغاز هیچ‌گاه قطع نشد و هم اکنون نیز توسط مریدان ایشان به بیش از سی زبان منتشر می‌شود.

به منظور قدردانی از دانش فلسفی و عبودیت شریلا پرابهوپاد، انجمن "گودیا وایشناوا"^۵ در ۱۹۴۷ او را به لقب "بهاکتی‌ودانتا"^۶ مفتخر ساخت. در ۱۹۵۰ شریلا پرابهوپاد در سن پنجاه و چهار سالگی از زندگی خانوادگی کناره گرفت و چهار سال بعد مرحله‌ی "واناپراستها"^۷ (بازنشستگی) را اختیار نمود تا زمان بیشتری را وقف مطالعات و نگارش کند. شریلا پرابهوپاد به شهر مقدس ورینداون عزیمت کرد و در معبدی تاریخی و متعلق به قرون وسطی به نام "رادها دامودارا"^۸ سکنا گزید. او در آن‌جا چند سالی را به مطالعه‌ی عمیق و نگارش سپری کرد. شریلا پرابهوپاد در رادها دامودارا شاهکار زندگی خود یعنی

1- A.C. Bhaktivedanta Swami Prabhupada

2- Srilla Prabhupada

3- Srila Bhaktisidhanta Sarasvati Gosvami

4- Back to Godhead

5- Gaudya Vaisnava

6- Bhaktivedanta

7- vanaprastha

8- Radha Damodara

ترجمه و شرح چندین جلدی هجده هزار آیه‌ی شریما-بهاگواتام^۱ را آغاز نمود و سرانجام در ۱۹۵۹ مرحله‌ی انقطاع از زندگی (سانیاسا^۲) را پذیرا گردید. شریلا پرابهوپاد در ۱۹۶۵ با کشتی باری و عملاً دست خالی به آمریکا رسید. یک سال بعد انجمن بین‌المللی کریشناگاهی را بنیان نهاد. او تا پیش از ترک این دنیا (۱۴ نوامبر ۱۹۷۷) هدایت این انجمن را بر عهده داشت و انجمن تحت هدایت دقیق وی در مدت ده سال به یک انجمن جهانی با حدود یکصد "آشراما"^۳، مدرسه، معبد، مؤسسه و مجتمع کشاورزی تبدیل و توسعه یافت. اما مهم‌ترین هدیه‌ی شریلا پرابهوپاد به جهان، کتاب‌های وی است. این کتاب‌ها از طرف جوامع علمی به دلیل اعتبار، عمق و روشنی مورد احترام بسیار است و در دروس متعدد دانشگاهی به عنوان کتب درسی استاندارد، مورد استفاده قرار می‌گیرد. نوشته‌های وی به بیش از هفتاد و هشت زبان رایج ترجمه شده است. "انتشارات بهاکتی ودانتا"^۴ که در ۱۹۷۲ به طور اختصاصی برای چاپ آثار شریلا پرابهوپاد تأسیس شد، به‌عنوان بزرگ‌ترین ناشر جهان در زمینه‌ی کتاب‌های دینی و فلسفی هند محسوب می‌گردد.

به‌رغم سن زیاد، شریلا پرابهوپاد در عرض فقط دوازده سال، برای ایراد سخنرانی در شش قاره جهان، چهارده بار به گرد جهان سفر نمود و با وجود چنین برنامه‌ی سنگینی، تا پایان عمر، فعالانه به نگارش ادامه داد. وی بیش از شصت جلد ترجمه، شرح و خلاصه‌های معتبر و موثق بر ادبیات فلسفی و مذهبی هند نگاشت. نوشته‌های وی یک تشکیل‌دهنده‌ی کتابخانه‌ای پُر بار از فرهنگ، ادبیات، مذهب و فلسفه‌ی ودایی است.

^۱ - Srimad-Bhagavatam

^۲ - sannyasa

^۳ - āśramas

^۴ - Bhaktivedanta Book Trust

قاعده‌ی ارجاع به منابع در متن

۱- ب.گ. مخفف "بهاگاواد-گیتا" و در ارجاع به آن، از راست به چپ، ابتدا شماره‌ی فصل و سپس شماره‌ی آیه یا آیات نوشته شده است. مانند: (ب.گ. ۲/۱۶) یعنی بهاگاواد-گیتا فصل ۱۶، آیه ۲؛ (ب.گ. ۸/۱۳-۱۲) یعنی بهاگاواد-گیتا فصل ۱۳، آیات ۸ الی ۱۲؛ (ب.گ. ۷، ۴/۵) یعنی بهاگاواد-گیتا فصل ۵، آیات ۴ و ۷.

۲- ش.ب. مخفف "شریماد- بهاگاواتام" و در ارجاع به آن، از راست به چپ، ابتدا شماره‌ی کنتو و سپس شماره‌ی فصل و آن‌گاه شماره‌ی آیه یا آیات نوشته شده است. مانند: (ش.ب. ۵/۲/۴) یعنی شریماد- بهاگاواتام، کنتوی ۴، فصل ۲، آیه ۵. سایر موارد نیز مشابه مثال بالاست.

۳- در ارجاع به سایر آثار ودایی نیز همین قاعده رعایت شده است.